

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





دولت اسلامی ایران  
معاونت فرهنگی و تبلیغی

## روش ها و گرایش های تفسیری قرآن کریم

دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و تبلیغی

عظیمی، امین،

روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن کریم / تألیف امین عظیمی؛ برنامه‌ریزی  
نظارت گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی  
فرهنگی و تبلیغی. \_ قم: ذوی‌القربی، ۱۳۸۹.  
۱۰۸ص.

ISBN ۹۷۸ - ۹۶۴- ۵۱۸- ۴۰۶- ۱: ۱۱/۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۰۵] - ۱۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. تفسیر - فن . الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت فرهنگی  
و تبلیغی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی. گروه مطالعات فرهنگی و  
منطقه‌ای. ب. عنوان

۲۹۷/۷۱

BP ۹۱/۵ /ع/ ۹

## روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن کریم

**تهیه و تدوین:** معاونت فرهنگی و تبلیغی / دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی  
گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای / اداره چاپ و نشر

**تألیف:** امین عظیمی

**ناشر:** ذوی‌القربی

**لیتوگرافی، چاپ و مصافی:** الهادی

**نوبت و تاریخ چاپ:** اول - ۱۳۸۹

**تیراژ:** ۲۰۰۰ جلد

**قیمت:** ۱۱۰۰ تومان

تلفن: ۷۱۱۶۰ - ۰۲۵۱ نمابر: ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت‌های معاونت فرهنگی و تبلیغی: [www.balagh.ir](http://www.balagh.ir)

پست الکترونیک: [info@balagh.ir](mailto:info@balagh.ir)

تمامی حقوق © محفوظ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه .....	۹
فصل نخست: کلیات .....	۱۱
مفهوم‌شناسی تفسیر .....	۱۱
مسایل تفسیر.....	۱۹
شیوه‌های نگارش تفسیر .....	۲۴
چیستی روش تفسیری.....	۲۸
روش‌های تفسیری.....	۲۸
چیستی گرایش تفسیری .....	۲۹
گرایش‌های تفسیری .....	۳۰
فصل دوم: روش‌های تفسیری.....	۳۱
معرفی تفسیرهای مهم قرآن به قرآن.....	۵۰
تفسیر قرآن به سنت.....	۵۶
دسته بندی روایات در تفسیرهای روایی.....	۵۷
معرفی تفسیرهای مهم روایی.....	۶۳
تفسیر قرآن به عقل.....	۶۸

۶۹	..... اقسام عقل
۶۹	..... کارکردهای تفسیر عقلی
۷۲	..... معرفی مهم‌ترین تفسیرهای عقلی
۷۵	..... تفسیر اجتهادی
۷۸	..... معرفی مهم‌ترین تفسیرهای اجتهادی
۸۴	..... فصل سوم: گرایش‌های تفسیری
۸۴	..... گرایش ادبی
۸۴	..... تفسیرهای ادبی
۸۶	..... گرایش لغوی
۹۱	..... گرایش بلاغی و بیانی
۹۵	..... گرایش اجتماعی
۹۸	..... گرایش هدایتی و تربیتی
۱۰۴	..... تفسیرهای چند گرایشی
۱۰۶	..... کتاب نامه

## پیشگفتار

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵)

تبلیغ یک هنر بزرگ است و مبلغ یک هنرمند بزرگ. هنر تبلیغ، به کار گرفتن شیوه‌های مؤثر در انتقال پیام‌های تبلیغی است.

تبلیغ بزرگ‌ترین ابزاری است که در جهت تأمین مقاصد مکاتب و احزاب در بین همه قشرها در مجامع مختلف بین‌المللی مورد استفاده واقع شده است. پیام‌آوران الهی نیز از این ابزار برای گسترش و نشر افکار آسمانی و آگاه ساختن مردم نسبت به بایدها و نبایدها استفاده می‌کردند.

در دوران کنونی؛ با پیشرفت‌های سریع علوم در عرصه‌های مختلف فرهنگی و تکنولوژی که به عصر انفجار اطلاعات لقب یافته، از یک سو و با درخشش اسلام ناب محمدی(ص) و اوجگیری تفکر فرهنگی انقلاب اسلامی در سراسر جهان، و ایجاد عرصه‌های جدید برای تعمیم و بسط ندای تعالیم آسمانی، از سوی دیگر لزوم شناخت عمیق‌تر تبلیغ و توجه به اصول و راهکارها و شیوه‌های آن را مضاعف می‌سازد.

تبلیغ دین، عهده‌دار توسعه دین در لایه‌های مختلف جامعه است. مهندسی و سازماندهی و بسط آن علاوه بر آموزش عمیق و دقیق، نیازمند ارتقای مهارتها و توانمندی‌های تبلیغی مبلغان را می‌طلبد که باید با شیوه‌های روشمند و علمی سامان یابد، تا با

بکار گرفتن مهارت‌های نوین تبلیغ بتوانند در نشر و گسترش فرهنگ غنی و اصیل اسلامی و تحقق اهداف بلند تمدن اسلامی ولایی برگرفته از مکتب اهل بیت(ع) در کشور بر نفوذ و جذابیت آن در اذهان مردم و عرصه جهانی هر چه بیشتر موفق شوند.

حال با عنایت به اهمیت امر تبلیغ در پیشبرد اهداف دینی و تجهیز مبلغان دینی با شیوه‌های نوین تبلیغی و ارتقاء سطح آگاهی مهارت‌های تبلیغی آنان، و به منظور پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مخاطبان از طریق بهره‌گیری از روش‌ها و فناوری‌های روزآمد و مؤثر با تأکید بر بهینه‌سازی روش‌های سنتی و مناسب ساختن دانش مهارت‌های تبلیغی مبلغان و ایجاد انگیزه برای کسب مهارت‌های مورد نیاز تبلیغ در زمینه‌های مختلف طرح تدوین کتابچه‌هایی با عنوان «مهارت‌های تبلیغی» تهیه و در اختیار مبلغان قرار دهد.

بر این اساس **گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای** با ارائه طرح جامعی در جهت تدوین و تألیف کتابچه‌های **مهارت‌های تبلیغی** در موضوعات متعدد، با لطف و عنایت خداوند و پیگیری‌های پیوسته توانست با موفقیت این طرح را به سامان رساند، که «روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن کریم» نوشته محقق ارجمند زنده‌یاد «**حجت الاسلام و المسلمین امین عظیمی**» نمونه‌ای از آن است با آروزی غفران و رحمت الهی برای آن مرحوم، امید است مورد استفاده مبلغان محترم قرار گیرد.

احمد زاده‌وش

معاون فرهنگی و تبلیغی

## مقدمه

پژوهش حاضر با عنوان «روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن کریم» در پی ایجاد روحیه خود باوری برای آشنایی با روش تفسیر و تفسیرها و بهره برداری از آنها در تبلیغ است. تبلیغ دین که رسالت اصلی هر مبلغ دینی به شمار می‌رود، نیازمند فهم قرآن کریم و تفاسیر قرآن است. مبلغ هر چه بیشتر اطلاعات و روحیه قرآنی داشته و با آن انس گرفته باشد، در تبلیغ خود موفق تر است؛ زیرا میان کلام خالق و مخلوق، تفاوت زیاد است و اثری که سوره‌ها و آیات قرآن بر جان‌ها می‌گذارد، با چیز دیگری قابل مقایسه نیست. بر این اساس، مبلغان دینی همواره می‌کوشند تا در منبرها و کلاس‌های تبلیغی خود و در ارتباط فردی با مردم، کلام خود را با آرایه‌های نورانی و دل نشین قرآن بیارایند. از این رو، به مطالعه تفسیرها و یادداشت برداری از آنها برای استفاده در محیط تبلیغی می‌پردازند. در این میان، برای استفاده بهینه از تفسیرها در پی شناخت روشها و گرایشهای مطلوب تفسیر با زبان روان و ساده هستند. پژوهش حاضر می‌کوشد با آشناسازی عملیاتی و کاربردی مبلغان با روش‌ها و گرایشهای تفسیر قرآن، آنها را در فهم تفسیرها و تشخیص روش مراجعه به منابع، متناسب با موضوع‌های مورد نظر یاری رساند و تبلیغ را به سمت قرآنی شدن هدایت کند.

هر چند در زمینه روش شناسی تفسیر و روش تفسیرها، آثار

مهم، مبسوط و ارزنده‌ای وجود دارد، ولی مبلغان به دلیل نگارش سنگین، حجم زیاد یا وجود مباحث استطرادی مختلف، از آن‌ها بهره نمی‌گیرند. امید است وجود ویژگی‌های زیر در پژوهش حاضر، در توجه مبلغان به این موضوع اثرگذار باشد:

اختصار (در مقایسه با آثاری که در این موضوع نوشته شده‌اند)؛

روان بودن (دوری از به کاربردن واژه‌های دشوار فهم و تخصصی)؛

نگاه کاربردی (به ویژه در تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت و تفسیر اجتهادی و بیان مراحل و ترتیب مباحث در تفسیرهای مختلف)؛

مطالب جدید (در مسایل تفسیر، اقسام تفسیر قرآن به قرآن، اقسام تفسیر روایی، مراحل تفسیر جامع و ترتیب و ساختار مباحث تفسیر).

تذکر این نکته نیز لازم است که متن‌هایی که از منابع مختلف نقل می‌شود همگی با تغییر همراه می‌باشند. گاه این تغییر در عبارات بوده و گاه در حذف کردن و افزودن بر متن نقل شده بوده است.

ومن الله التوفيق و عليه التكلان

امین عظیمی

## فصل نخست: کلیات

### مفهوم‌شناسی تفسیر

قرآن کریم، آن چه را انسان در راه هدایت به آن نیاز دارد، با زبان عربی مبین بیان کرده است. قرآن مایه هدایت همگان است و به نور و روشنی ستوده شده و روشن گر دیگر چیزهاست. از آنجا که قرآن دارای ظاهری روشن است و هیچ ابهامی ندارد، آن را «کتاب مبین»<sup>۱</sup> خوانده‌اند. با این حال، چون مخاطب کنونی آن با عصر نزول فاصله دارد، برای فهم این کلام الهی باید نااندازه‌ای با لغت، تاریخ و شرایط آن عصر آشنا باشد. پس از آن که مخاطب به این سطح از آگاهی مقدماتی برای فهم قرآن رسید و ظاهر قرآن کریم را دریافت، با درنگ در تک تک آیات، در زمینه پیوند میان آیات یا موضوع‌ها یا تشخیص مصداق آیات یا معنای باطنی آنها، با پرسش‌هایی رو به رو مطرح می‌شود که پاسخ گویی به آن بدون تفسیر و به کار بستن دیگر روش‌های فهم امکان پذیر نیست. پس فهم قرآن کریم، سطح، مرتبه و گونه‌هایی دارد که هر گونه با دیگری، تفاوت‌ها و تشابه‌هایی

دارد. بر اساس روایت امام حسین(ع) درباره سطوح معارف قرآن،<sup>۱</sup> فهم قرآن را به چهار سطح می‌توان تقسیم کرد:

**عبارات:** به آن الفاظ و معانی می‌گویند که آگاهی از آن برای عوام و همگان امکان پذیر است. قرآن از همگان تدبیر و تفکر می‌خواهد. البته این همگانی بودن آن شامل مفسران و عملیات تفسیری هم می‌شود و ترجمه، تدبیر و تفکر در آیات در کنار کارهای علمی مقدماتی مانند ترکیب، لغت و شأن نزول عامل دست یابی به نگاه اولیه و جامع از آیات و سوره‌هاست. پس از آن، مفسر می‌تواند فهم خویش را عمق بیشتری ببخشد و وارد اشارات شود که از آن خواص است.

**اشارات:** نکته‌هایی بیش از عبارات، ولی برگرفته از عبارات است که خواص(اهل علم و تحقیق)، آن را می‌فهمند. یافتن اشارات آیات و واژه‌ها مرحله‌ای بالاتر از عبارات است و مرحله اصلی تفسیر در همین بخش شکل می‌گیرد.

**لطایف:** ظرایفی است که از الفاظ و معانی و استلزامات آن دو به دست می‌آید و آن به اولیا اختصاص یافته است. این فهم از آن اخص خواص است و شماری از مفسران بزرگ به آن راه دارند. البته علم کامل به آن نزد ائمه معصومین(ع) است و مفسران بزرگ به اندازه تلاش علمی و طهارت معنوی خود از آن بهره مند می‌شوند.

**حقایق:** علم به حقایق نوری یا مصداق‌های قرآن که بوده و در آینده خواهد بود، مخصوص پیامبران و معصومین(ع) است. علم به حقایق با علم به تأویل و جری و تطبیق ارتباط



می‌یابد که در دست پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین (ع) است. برای اینکه تعریفی دقیق از تفسیر داشته باشیم پس از تعریف لغوی و اصطلاحی تفسیر، باید آن را با ترجمه، تدبیر، تأویل و تطبیق مقایسه کنیم تا محدوده مسایل تفسیری و جایگاه تفسیر بیشتر روشن شود.

### تعریف تفسیر

تفسیر، باب تفعیل از «فسر»، مقلوب از «سفر» و به معنای بیان و کشف است، چنانکه «اسفر الصبح»؛ یعنی صبح روشن شد.<sup>۱</sup>

اصطلاح تفسیر که درباره کلام و سخن به کار می‌رود، از جمله صنایع ادبی است. این صنعت، آنچه را گوینده در سخنش، مجمل و مبهم آورده است، شرح می‌دهد. این اجمال و ابهام یا در مفردات کلام است یا در عددی که معلوم نیست یا در بخش دیگری از کلام که به هر صورت نیازمند بیان و شرح و تفسیر است.<sup>۲</sup> تفسیر به معنای روشن کردن و پرده‌برداری از چهره کلمه یا کلامی است که بر اساس قانون محاوره و فرهنگ مفاهیم ایراد شده باشد و معنای آن آشکار نباشد. تفسیر، تحلیل مبادی و رسیدن به مقصود متکلم و مدلول بسیط و مرکب لفظ است.<sup>۳</sup> تفسیر پیش از اسلام و در غرب، به شروح کتابها و

---

۱. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، ج ۲، ص ۵۴۹. (با تغییر).

۲. بهاء الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۶۳۵، (با تلخیص و تغییر).

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۵۲.

نوشته‌های علمی و فلسفی گفته می‌شد و به معنای شرح و بیان معانی آنها بود. از این رو، به شرح‌های یونانی و عربی آثار ارسطو، تفسیر می‌گفتند.<sup>۱</sup>

### تعریف تفسیر قرآن کریم

در اصطلاح محققان و مفسران، تعریف‌های بسیاری در این باره وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تفسیر، علمی است که به کمک آن، کتاب الهی را که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، می‌فهمیم و معانی اش بیان می‌گردد و احکامش استخراج می‌شود و...<sup>۲</sup>

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است.<sup>۳</sup>

تفسیر، «بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد خداوند و مقاصد الهی از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلایی است».<sup>۴</sup>

تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقصود و مدلول آیات است.<sup>۵</sup>

«به طور کلی، معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد

۱. تاج العروس، ج ۷، ص ۳۴۹؛ لسان العرب، ج ، ص ۲۶۱.

۲. زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۷.

۴. محمود رجبی، روش تفسیر قرآن، ص ۱۲.

۵. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲.

آن کتاب را بنماید و نظر مهم به آن، بیان منظور صاحب کتاب باشد. این کتاب شریف که به شهادت خدای تعالی، کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق سلوک انسانیت است، باید مفسر در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتدا به عالم غیب و حیث راهنمایی به طریق معرفت و انسانیت را به متعلم بفهماند. مفسر وقتی مقصد از نزول را به ما بفهماند، مفسر است، نه سبب نزول به آن طور که در تفاسیر وارد است.<sup>۱</sup> تعریف امام خمینی و علامه طباطبایی (قدس سرهما) از جهاتی به هم نزدیک است؛ زیرا در هر دو تعریف، رسیدن به مقاصد آیات به عنوان حقیقت تفسیر معرفی شده است، با این تفاوت که علامه، تفسیر را کشف معانی و مقاصد می‌داند و امام، آن را شرح مقاصد معرفی می‌کند و روشن است که شرح، مرحله‌ای پس از کشف است.

با توجه به تعریف‌های لغوی و اصطلاحی و مقایسه تفسیر با تدبّر و ترجمه می‌توان نتیجه گرفت:

تفسیر قرآن از سنخ فهم است.

تفسیر از سنخ فهم دقیق و عمیق است، نه فهم ابتدایی ظاهر قرآن. اگر کشف مقاصد آیات و پرده برداری از معانی آن، فهم دقیق و عمیق نباشد، همگان باید بتوانند قرآن را تفسیر کنند، حال آن که مفسر شدن و تفسیر کردن قرآن، نیازمند مقدمات زیادی است که دست عموم مردم از آن کوتاه است. بر خلاف تدبّر که قرآن همگان را بر آن امر کرده است و همه انسانها بالفعل یا با قوه قریب توان تدبّر در قرآن کریم را دارند.

۱. امام خمینی، آداب الصلاة، صص ۱۹۳ - ۱۹۵.

تفسیر علاوه بر فهم معنای دقیق آیات باید مقصد آیات و غرضی را که هر آیه دنبال آن است، به درستی تبیین کند.

### ترجمه

ترجمه یا ترجمان به معنای مفسر و تفسیرکننده آمده و جمع آن تراجم است. وقتی در کلام عرب گفته می‌شود: «ترجمَ کلامه» (کلامش را ترجمه کرد) معنایش این است که با زبانی دیگر آن را تفسیر کرد.<sup>۱</sup> در اصطلاح مفسران، ترجمه از تفسیر جدا شده است و با آن تفاوت دارد. البته ترجمه در مقابل تفسیر نیست، بلکه مرحله مقدماتی آن است.

ترجمه در جایی است که معنای لغوی لفظ را نمی‌دانیم و با مراجعه به فرهنگ‌ها مشکل حل می‌شود.<sup>۲</sup> ... در تفسیر، معنای لغت روشن است، ولی در مقصود از آن واژه و مدلول آن و در ارتباط واژه با سیاق قبلی و بعدی و در ارتباط واژه با واژه‌های مشابه لفظی و معنوی در دیگر آیات و سوره‌ها پرسش داریم و همه این‌ها مراحل و گام‌هایی پس از ترجمه است.

### تدبیر

تدبیر از «دبر» به معنای پشت سر و مطاوعه تدبیر است. تدبیر چنینش حکیمانه اشیا است. قرآن کریم نیز دارای تدبیر الهی است که پذیرش و فهم این تدبیر (هماهنگی) را تدبیر گویند. بر این اساس، تدبیر فهم روشمند و هماهنگ ظاهر قرآن کریم است<sup>۳</sup> که

۱. لسان العرب، ج ۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

۲. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۱۸؛ التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۴.

۳. محمدحسین الهی‌زاده، آشنایی با تدبیر در سوره‌های قرآن کریم، تهیه و

از عهده همگان بر می‌آید. چون خود آیات قرآن تدبیر را وظیفه‌ای همگانی می‌داند: «لیدبّروا آیاته؛ تا همگان در آن تدبیر کنند».<sup>۱</sup> روشن است که وظیفه‌ای همگانی خواهد بود که از عهده همه بر آید و سنگین نباشد. بنابر این تدبیر از سنخ فهم عمیق و دقیق نیست که به کارشناسی و علوم پیش نیاز مختلف نیاز داشته باشد. تدبیر، همانند ترجمه، مقدمه دیگری برای تفسیر است.

### تاویل

تاویل در اصل از «اول»؛ یعنی بازگشت است.<sup>۲</sup> در نظر علامه طباطبایی (ره)، تاویل عبارت است از حقیقتی که حکم، خبر و هر امر ظاهری دیگری بر آن اعتماد دارد. آن حقیقت، امری عینی است که سبب تشریع حکمی از احکام یا بیان معرفتی از معارف می‌شود یا مایه رخ دادن حادثه‌ای از حوادث می‌گردد.

تاویل آن حقیقتی است که شیء آن را در بر دارد و بر آن مبتنی است و بدان باز می‌گردد. برای نمونه، تاویل رؤیا همان تعبیرش است؛ تاویل حکم همان ملاک حکم است؛ تاویل فعل نیز همان مصلحت و غایت حقیقی است که فعل به خاطر آن تحقق یافته است و تاویل یک واقعه همان علت واقعی آن است که سبب پدیدآمدن واقعه شده است. بر این اساس، تاویل قرآن

تنظیم: علی صبحی، ص ۲۴.

۱. ص ۲۹.

۲. الاتقان، ج ۲، ص ۵۴۹.

عبارت است از «حقایق خارجی» که آیات قرآن در معارف، شرایع و دیگر بیان‌هایش بدان مستند است. به عبارت دیگر، تاویل قرآن نه از سنخ الفاظ است و نه از سنخ معانی و مدلولات الفاظ، بلکه از امور خارجی و عینی است.

رابطه فعل و شیء با تاویلش مانند رابطه ضرب با تأدیب و رگ زدن با درمان است، نه نظیر رابطه لفظ و مفهوم با مصداق، مانند عبارت «جاء زيد» که مصداق آن، آمدن زيد در خارج است.<sup>۱</sup>

### جری و تطبیق

«جری و تطبیق» عبارت است از انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصداق‌هایی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده است و در این جا، مراد، انطباق الفاظ و آیات قرآن بر پیامبر اعظم (ص)، اهل بیت (ع) و مخالفان آنان است. در تفسیرهای روایی شیعه، اخبار فراوانی به چشم می‌خورد که در آن‌ها آیات قرآن کریم بر پیامبر اعظم (ص)، اهل بیت (ع)، پیروانشان یا مخالفان ایشان تطبیق شده است.<sup>۲</sup> علامه طباطبایی درباره این گونه روایات می‌نویسد: اخباری که از قبیل جری هستند، مصداق برای آیه محسوب می‌شود و اصطلاح جری از خود روایات اهل بیت (ع) اخذ شده است.<sup>۳</sup> سلیقه اهل بیت (ع) چنین بوده که آیات قرآن را

۱. روش‌های تاویل قرآن، صص ۴۰ تا ۴۵ (با تلخیص).

۲. همان، ص ۱۴۷.

۳. سال الفضیل بن یسار الامام ابا جعفر الباقر (ع) عن الحدیث المعروف: «ما فی القرآن آیه الا و لها ظہر و بطن»؟ فقال (علیه السلام): «... منه ما قد مضی و منه ما لم یکن. ینجری کما تجری الشمس و القمر...». التمهید، ج ۱، ص ۲۵۵؛

بر چیزهایی که انطباق بر موارد را می‌پذیرند، تطبیق می‌کردند، گرچه از مورد نزول خارج باشد؛ چون معارف قرآن، حقایقی است که به حال خاص و زمان خاص اختصاص ندارد و شأن نزول موجب محدود شدن حکم در آن واقعه نمی‌شود تا با از بین رفتن مورد نزول، حکم نیز زایل شود و مدح و ذمی که درباره صفات عده‌ای نازل شده است، نمی‌تواند فقط بر همان افراد اختصاص یابد؛ چون این صفات در افراد دیگری نیز هست.<sup>۱</sup>

### مسایل تفسیر

هر دانشی به مسایلی نیاز دارد که درباره آنها بحث کند. موضوع هر علمی همان موضوع‌های مسایل است. موضوع تفسیر، آیات، سوره‌ها و موضوع‌های قرآن کریم است. بنابراین، مساله تفسیری، مساله‌ای است که موضوع آن، آیات، سوره‌ها یا موضوع‌های قرآن باشد، نه چیزی خارج از آن؛ چه مقدمه باشد و چه نتیجه. همچنین هدف مساله تفسیری باید کشف معنا و مدلول آیات باشد، نه بررسی اطلاعاتی که در روشنگری مدلول

---

بصائر الدرجات، ص ۱۹۶، ح ۷. قال الامام ابو جعفر (علیه السلام): «و لو انّ الآیة نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الآیة لما بقی من القرآن شیء و لكن القرآن یجری اوّله علی آخره ما دامت السماوات و الارض. و لكل قوم یتلونها، هم منها من خیر او شرّ». التمهید، ج ۱، ص ۲۵۶.

۱. المیزان، ج ۱، صص ۳۹ و ۴۰ (با تلخیص).

و مقصود دخالتی ندارند. با این بیان، مسایل تفسیری را در چند دسته می‌توان قرار داد:

### ۱. مسایل مقدماتی

مسایلی‌اند که خود، تبیین و تفسیر آیه نیستند، ولی مقدمات تفسیر آیات را فراهم می‌کنند یا به طور غیر مستقیم، با روشنگری آیات در ارتباطند. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

(الف) بحث لغوی و صرفی

(ب) ترکیب و ساختار نحوی و بلاغی

(ج) اسم و عنوان سوره یا آیه

(د) قرائت‌های آیه

(ز) شان نزول آیه و سوره

(و) فضیلت تلاوت سوره

(ی) فضای نزول سوره

این مسایل در تفسیرهای مختلف در ضمن مسایل دیگر و به عنوان مسایل اصلی مورد بحث قرار گرفته‌اند، ولی با تعریفی که علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) از تفسیر دارند، باید این گونه مسایل را زمینه ساز تفسیر آیه دانست، نه خود تفسیر. نتیجه مسایل مقدماتی، به دست آوردن ترجمه قرآن کریم است و پس از روشن شدن معنای ظاهری قرآن به وسیله ترجمه، نوبت به ورود به مدلول و مقصود آیات و کشف لایه‌های مختلف کلام الهی می‌رسد.

### ۲. مسایل اصلی

مسایلی که به طور مستقیم با روشنگری مدلول و مقصود



آیه در ارتباطند، مسایل اصلی هر تفسیر را تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

مسایل مربوط به شناخت سوره (سوره شناسی)

یک- نظم و ساختار سوره

دو- غرض سوره

مسایل مربوط به تفسیر آیه

یک- مسایل مربوط به تفسیر آیه به وسیله خودش

اول- تفسیر صدر آیه به ذیل آن و برعکس<sup>۱</sup>

دوم- توجه به غرض و مقام آیه

دو- مسایل مربوط به تفسیر آیه به غیر خودش

اول- به آیات دیگر

تفسیر سیاقی به وسیله آیات قبل و بعد

تفسیر به وسیله آیات هم اسلوب و هم موضوع در کل قرآن

دوم- به روایات

سوم- به عقل

سه- مسایل مربوط به شناخت و تفسیر موضوع آیه در قرآن

### ۳. مسایل فرعی (مرحله پس از تفسیر)

پس از روشن شدن معنا و مدلول و مقصود آیه، تفسیر آیه به اتمام می‌رسد ولی، فهم‌های دیگر از قرآن می‌تواند ادامه یابد. از این رو، برخی مفسران در تفسیرهای خود به این گونه مسایل نیز پرداخته و آن را در ضمن مباحث تفسیری آورده‌اند. با این حال، باید عنوان بحث را روشن کنند که تفسیر، اشاره، لطیفه،

۱. تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۱.

تطبیق و تاویل است یا چیز دیگر. بنابراین، در تفسیرهای موجود، دست کم به سه دسته از مسایل برمی‌خوریم که خود تفسیر نیستند، لکن از مراحل و موارد فهم قرآن به شمار می‌روند. آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

(الف) اشارات و لطایف تفسیری (متکی بر ظاهر یا باطن آیه)؛

(ب) تطبیق آیه (تطبیق آیه با مصداق‌های خارجی)؛

(ج) تاویل آیه (ارجاع آیه به حقایق تکوینی).

#### ۴. مسایل نتیجه‌ای (برای استفاده مستقل یا در علوم دیگر)

مسایلی که به عنوان نتایج مباحث تفسیری به عنوان تذکرهای تربیتی یا اصول و قواعد معرفتی می‌تواند برای مخاطبان عمومی و خاص تفاسیر مفید باشد. به بیان دیگر، دسته‌ای از مباحث در تفسیرها وجود دارد که تفسیر آیه نیست، ولی به عنوان تذکری سودمند که از تفسیر آیه بر می‌آید یا اصلی علمی و معرفتی که نتیجه تفسیر آیه است، از آن می‌توان بهره گرفت و به نوعی برداشت تفسیری یا برداشتی سودمند از قرآن است، مانند برخی از پیام‌های آیه در تفسیر نور و تفسیر راهنما که بیشتر نکته برداری است تا گشودن چهره از ابهام کلام یا رفتن به عمق کلام. این گونه نکته برداری‌ها پس از روشن شدن معنا و مدلول و مقصود آیات دارای مبنای محکم و پشتوانه کافی است.

#### ۵. مسایل استطرادی (مناسبتی):

مسایلی که به تناسب بحثهای تفسیری یک آیه و در ارتباط

با علوم مختلف پدید می‌آید و از سنخ پرده برداری از ابهام آیه نیست. این نوع مسایل در شاخه‌های مختلف معرفتی در تفسیرها به چشم می‌خورد:

الف) ادبی: بحث «شعر و شاعری در اسلام».<sup>۱</sup>

ب) کلامی: بحث «صفات خدا»<sup>۲</sup> و «فرق اختیار انسان و خدا»<sup>۳</sup> در المیزان.

ج) فلسفی: «بحث فلسفی فی العلیه»<sup>۴</sup> و «بحث فلسفی فی العلم»<sup>۵</sup> در المیزان.

د) فقهی و اصولی: همانند تفسیر تسنیم که در تفسیر «بسمله» سوره حمد در اشارات و لطایف آیه، احکام فقهی نام خدا را مطرح کرده است<sup>۶</sup> یا مانند بحث «امر به معروف»<sup>۷</sup> در المیزان

و) تاریخی: بحث «ذی القرنین در سوره کهف»<sup>۸</sup> در المیزان و بحث «خرافات جاهلی»<sup>۹</sup> در تفسیر نمونه.

ز) اخلاقی و عرفانی: بحث عرفانی امام خمینی (ره) در

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۸۱.

۲. المیزان، ج ۲، ص ۱۰۵.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۶۷.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۱۴۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۷.

۶. تسنیم، ج ۱، ص ۳۱۳.

۷. المیزان، ج ۶، ص ۱۸۹.

۸. همان، ج ۱۳، صص ۳۷۸ - ۳۹۸.

۹. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۴۹۲.

تفسیر سوره حمد در قالب عنوان «فائده عرفانیه» به مناسبت آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ...» درباره عبادت و استعانت<sup>۱</sup> و بحث «علم الاخلاق»<sup>۲</sup> و «اسم اعظم»<sup>۳</sup> و «توبه و شروطها»<sup>۴</sup>.  
 (ح) اجتماعی: بحث «اجتماعی درباره زن»<sup>۵</sup> در المیزان.  
 ط) حقوقی: بحث «قواعد احکام و حقوق زن در اسلام»<sup>۶</sup> در المیزان.

ظ) علمی: بحث «تحول نوع انسان»<sup>۷</sup> «درباره علوم اجتماعی»<sup>۸</sup>، بحثهای فیزیکی و شیمیایی درباره «پرندگان و نیروی بالابر در فیزیک جدید»<sup>۹</sup> «قانون جاذبه و دافعه»<sup>۱۰</sup> و «خواص نور»<sup>۱۱</sup>.

### شیوه‌های نگارش تفسیر

در نگارش و تدوین تفسیر، روش‌هایی متفاوت میان مفسران

---

۱. امام خمینی(ره)، تفسیر سوره حمد، ص ۶۵.

۲. المیزان، ج ۱، ص ۳۷۰.

۳. همان، ج ۸، ص ۳۷۵.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۲.

۵. المیزان، ج ۲، ص ۲۸۳؛ ج ۴، ص ۲۷۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۸۵.

۷. همان، ج ۴، ص ۱۵۳.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۹. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۴۰.

۱۰. همان، ج ۱۰، ص ۴۷۲.

۱۱. همان، ج ۱۴، ص ۴۷۲.

وجود دارد که به مواردی از آنها می‌توان اشاره کرد:

### ۱. مختصر، متوسط و مفصل:

برخی مفسران دارای تفسیری مختصرند، مانند: تفسیر شبر و تفسیر جوامع الجامع از طبرسی و برخی تفسیری مفصل دارند، مانند صفوه التفاسیر از شبر. گروه دیگر نیز نخست یک دوره تفسیر تفصیلی نوشته و سپس آن را مختصر کرده‌اند، مانند: الصافی فی تفسیر القرآن از فیض کاشانی و مختصر آن به نام الاصفی.

### ۲. ترتیبی و موضوعی

در این نگاه، تفسیرهای قرآن به سه سبک نوشته شده است: الف) تفسیر ترتیبی

تفسیری است که آیات قرآن را به ترتیب از اول تا آخر به ترتیب کنونی سوره‌ها و آیات، تفسیر می‌کند. هدف تفسیر ترتیبی، فهم تک تک آیات است و مفسر می‌خواهد تمام مسائل مرتبط با فهم آیه را از نظر لفظی و معنوی روشن سازد و ابهام‌هایی را که در آیه احساس می‌شود، برطرف سازد. بنابراین، اگر مفسر از آیات دیگر یا روایات یا مسایل دیگری کمک می‌گیرد، تنها برای روشن شدن معنای همان آیه است. بیشتر تفسیرها به این سبک نوشته شده‌اند.

### ب) تفسیر موضوعی

در این نوع از تفسیر، آیات قرآن تقطیع نمی‌شود و بررسی روی آیات به طور سلسله وار؛ یعنی آیه به آیه و مرتب انجام نمی‌گیرد. مفسر موضوعی می‌کوشد پژوهش‌های خود را روی یک موضوع از موضوع‌های اعتقادی، اجتماعی و جهانی که قرآن

از آن بحث کرده، متمرکز سازد و درباره آن موضوع، از قرآن استفاده کند. برای مثال، عقیده به توحید، سنتهای تاریخ یا کیفیت تکوین آسمان و زمین را در قرآن بررسی می‌کند.<sup>۱</sup> تفسیر منشور جاوید (آیت الله جعفر سبحانی)، پیام قرآن (آیت الله ناصر مکارم شیرازی)، تفسیر موضوعی (آیت الله عبدالله جوادی آملی) و معارف قرآن (آیت الله محمدتقی مصباح یزدی) از این دست تفسیرها هستند. تفسیرهای موضوعی، ترتیب خاصی ندارند و به جز معارف قرآن<sup>۲</sup> بقیه درباره ترتیب موضوع‌ها به صورت استدلالی، بحثی را مطرح نکرده‌اند.

#### ج) تفسیر ترتیبی موضوعی

مفسر، در این نوع تفسیر، علاوه بر اینکه قصد دارد معنا و مفهوم آیه را به خوبی روشن کند، موضوعی را که آیه به آن مربوط می‌شود، در نظر می‌گیرد و در کنار تفسیر آیه به تفسیر موضوع نیز می‌پردازد. بهترین نمونه برای این گونه تفسیرها، المیزان علامه طباطبائی(ره) است که در آن افزون بر ترتیبی بودن و تفسیر آیات پشت سر هم، در موضوع‌های مختلفی که پیش می‌آید، بر حسب تناسب و جایگاه آیه، تفسیر موضوعی نیز انجام می‌گیرد.

#### ۳. شرح و متن، شرح و مزج

برخی مفسران، متن آیات را جدا کرده و ذیل هر آیه به

۱. سید محمد باقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه: سید جمال الدین

موسوی، ص ۲۵.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، معارف قرآن، ج ۱، مقدمه.

شرح و بررسی آن پرداخته‌اند، مانند: مجمع البیان و المیزان. برخی دیگر نیز متن را با شرح در هم آمیخته و به صورت مزجی، تفسیر کرده‌اند، مانند: تفسیر شبر که در آن قطعه‌ای از متن آیه در داخل پرانتز می‌آید و سپس در شرح مواردی، به قرائت و لغت و تفسیر قرآن به قرآن می‌پردازد و مقدمه‌ای کوتاه برای هر سوره دارد.<sup>۱</sup> تفسیر نفحات الرحمن از نهادنی نیز این گونه است.

#### ۴. تام و ناقص (دوره‌ای و تک نگاری)

برخی تفسیرها شامل تمام آیات قرآن است، مانند: مجمع البیان، المیزان، نمونه و تبیان در تفسیرهای ترتیبی و تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی و منشور جاوید و پیام قرآن در تفسیرهای موضوعی. برخی از تفسیرها هم غیر تام و در برگیرنده سوره‌ای خاص یا موضوعی خاص از تفسیرند، مانند: تفسیر مبهمات القرآن از بلنسی که شامل مبهمات آیات است؛ تفسیر معدن الانوار از برغانی که شامل مباحث لغوی و تفسیری است؛ احکام القرآن از راوندی که شامل آیات فقهی است و تفسیر بلابل القرآن که شامل آیاتی است که با لفظ قل شروع می‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۵. جامع و غیر جامع

تفسیر جامع، تفسیری است که از تمامی منابع تفسیری، استفاده کرده است. به عبارت دیگر، تفسیرهای اجتهادی را که مراحل تفسیر قرآن به قرآن و قرآن به سنت و قرآن به عقل را در

۱. سید عبدالله شبر، تفسیر القرآن الکریم، سوره حمد، صص ۳۸ و ۳۹.

۲. روش‌های تفسیر قرآن، سید رضا مودب، صص ۱۶۳ و ۱۶۴ (با تغییر و اضافه).

تفسیر خود اجرا می‌کنند و به تمامی علوم مورد نیاز مفسر توجه دارند، تفسیر جامع می‌گویند. البته جامع بودن یک تفسیر، نسبی است و تفسیر جامع به معنی مطلق که تمام مراحل تفسیر را به خوبی و با توجه به تمامی منابع پیموده باشد، نداریم. با این حال، تفسیرهایی مانند مجمع البیان، تبيان، المیزان و... نسبت به تفسیرهای دیگر از جامعیت بیشتری برخوردارند و تفاسیری مانند کشف و جوامع الجامع و تفاسیر روایی و لغوی و... چنین جامعیتی ندارند.

### چستی روش تفسیری

روش یا منهج تفسیری عبارت است از چگونگی استفاده از منابع تفسیری (قرآن، سنت، عقل، علوم قرآن و...) در فهم و پرده برداری از معانی و مدلول‌های قرآن کریم.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، روش تفسیری عبارت است از تعداد و چگونگی پیمودن گام‌های لازم در استفاده از منابع و مستندات برای فهم قرآن کریم.

#### روش‌های تفسیری

تفسیرهای قرآن در دوران‌های مختلف به جهت اهمیت دادن به منبعی خاص، روش‌های جداگانه‌ای در پیش گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

تفسیر قرآن به قرآن: به تفسیرهایی که با بهره‌گیری از منبع نخستین و اصلی تفسیر که خود قرآن کریم است، فراهم شده‌اند،

۱. همان، ص ۱۶۵، پاورقی، (با تغییر).



تفسیرهای قرآن به قرآن می‌گویند.

تفسیر روایی (قرآن به سنت): به تفسیرهایی که با بهره‌مندی از سنت رسول گرامی اسلام و معصومین (ع) شکل گرفته‌اند، تفسیرهای روایی می‌گویند.

تفسیر عقلی: به تفسیرهایی که با استناد عقل و مدرکات حوزه‌اندیشه فراهم آمده‌اند، تفسیرهای عقلی می‌گویند.

تفسیر اجتهادی: به تفسیرهایی که قرآن را با توجه به تمامی علوم و منابع مورد نیاز مفسر، تفسیر کند، تفسیرهای اجتهادی می‌گویند.

در ادامه، با تفصیل بیشتر به بیان تعریف، شرایط و مراحل هر یک از این روش‌ها می‌پردازیم و تفسیرهای معتبر نگارش شده با هر یک از این روش‌ها را بررسی می‌کنیم.

### چیستی گرایش تفسیری

گرایش به معنای میل یافتن به چیزی است و در تفسیر، اشاره به رشته‌ها و شاخه‌هایی است که تفسیرهای اجتهادی پیدا کرده‌اند. به عبارت دیگر، گرایش‌های تفسیرهای اجتهادی گوناگون است و هر تفسیر اجتهادی، جنبه‌ای از زیبایی‌ها و معارف قرآن را در نظر گرفته و بیشتر به آن پرداخته است. با بیان سوم، در تفسیری که مفسر آن قصد تقلید ندارد و می‌خواهد مجتهدانه قرآن را بفهمد، ممکن است بیشتر به جنبه‌های ادبی و بلاغی توجه کند یا جنبه‌های اخلاقی و هدایتی یا جنبه اجتماعی

و حکومتی. البته برخی تفسیرها گرایش‌های مختلفی دارند و به نوعی در عین بهره‌مندی از علوم و منابع موجود، از زوایای گوناگون اجتماعی، هدایتی، ادبی، لغوی، کلامی و عرفانی هم به بررسی آیات یا موضوع‌های مربوط به آیات پرداخته‌اند که هم روش جامع و هم گرایش جامع دارند، مانند: المیزان و تسنیم.

#### گرایش‌های تفسیری

گرایش‌هایی که تا به حال در تفسیرها به وجود آمده، به صورت خلاصه به این صورت است:

گرایش ادبی

گرایش لغوی

گرایش بلاغی و بیانی

گرایش فقهی

گرایش اجتماعی

گرایش علمی

گرایش کلامی

گرایش هدایی

گرایش فلسفی

گرایش عرفانی

## فصل دوم: روش‌های تفسیری

### تفسیر قرآن به قرآن

بی شک، استوارترین مصدر برای تبیین قرآن، خود قرآن است؛ چون همان گونه که امیر المؤمنین علی(ع) فرمود: «کتاب الله... ينطق بعضه ببعض و يشهد بعضه على بعض» کتاب خدا... [به گونه‌ای است که] بعضی از [آیات] آن به وسیله بعضی دیگر به سخن درمی آید و بعضی از [آیات] آن شاهد [برای صدق معنای] بعضی دیگر قرار می‌گیرند....<sup>۱</sup> به جز آن، باید دانست، قرآن تبیان هر چیزی در شریعت است. پس چرا قرآن تبیان خودش نباشد. از این رو، این کلام مشهور شده است که «القرآن يفسر بعضه بعضا».<sup>۲</sup> این روش، شیوه‌ای است برگرفته از سنت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) و دیگر معصومین در تفسیر آیات قرآن کریم.<sup>۳</sup> در این روش، تا آن جا که آیات

---

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۳۳، ص ۱۹۲.

۲. محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۲۲.

۳. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۶۷.

می‌توانند روشن گر آیه‌ای باشند، نوبت به دیگر منابع نمی‌رسد و آغاز و چشم‌انداز تفسیر آیه باید آیات قرآن باشد،<sup>۱</sup> نه منابع دیگر. بنا بر مبنای اساسی این روش، برخی آیات قرآن کریم، همه مواد لازم را برای پی ریزی بنیان مرصوص معرفتی در خود دارند و برخی آیات آن تنها عهده دار بخشی از مواد چنین بنیانی هستند. آیات دسته دوم با استمداد از آیات گروه اول، تبیین و تفسیر می‌شوند.<sup>۲</sup>

### اقسام مفسّر در قرآن و کارکردهای آن

در تفسیر قرآن به قرآن، با دو دسته از آیات یا عبارتهای قرآنی روبه رو هستیم. یک دسته دارای پرسش‌ها و دسته دیگر، عامل پاسخ به پرسشهای دسته اول هستند. این دسته که حکم روشننگری دارند، مفسّرند و دسته نخست پرسش می‌سازند، مفسّرند. اکنون با اشاره به مهم‌ترین گونه‌های مفسّران از خود قرآن کریم، کارکردهای تفسیری آنها در هر مورد بررسی می‌شود.

#### الف) درون سوره

در مواردی از تفسیر قرآن به قرآن، درون سوره به نیازهای تفسیری آیات خود پاسخ می‌دهد و آنها را روشن می‌کند که عبارتند از:

۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۶۷.

۲. تسنیم، ج ۱، ص ۶۱.

## خود آیه

گاهی خود آیه خودش را تفسیر می‌کند و پرسش مطرح شده در خودش پاسخ می‌دهد. برخی آیات قرآن این توانایی را دارند که به خودی خود و با عبارت‌هایی که دارند، تبیین شوند. در مواردی، صدر آیه، ذیل آن را روشن می‌سازد یا ذیل آیه، شاهد صدر آن قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> در این گونه از تفسیر، بخش مفسر به بخش مفسر متصل است، مانند اینکه برخی از کلمات داخلی آیه مباحله را می‌توان با کمک شاهد متصل داخلی و نیز با عنایت به شاهد منفصل خارجی معنا کرد. اصل آیه چنین است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».<sup>۲</sup>

از کلمه «ابنائنا» هم معنای «نسائنا» و هم معنای «انفسنا» را می‌توان فهمید؛ زیرا با کلمه «ابنائنا» می‌توان استظهار کرد که کلمه «نسائنا» شامل دختر هم می‌شود. در چند مورد که این دو کلمه در کنار هم قرار گرفته‌اند، منظور از «نسائنا»، خصوص زن به معنای همسر نیست، بلکه قدر متیقن آن، دختر است، مانند آیه: «يُذَيِّعُ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»؛<sup>۳</sup> زیرا فرعون، فرزندان بنی اسرائیل را اگر پسر بودند، می‌کشت و اگر دختر بودند، زنده نگه می‌داشت. بنابراین، شمول

۱. تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۱، (با تغییر).

۲. آل عمران: ۶۱.

۳. قصص: ۴.

کلمه نساء نسبت به دختر کاملاً صحیح است و مانعی ندارد، چنانکه شأن نزول آن را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup>

### سیاق آیه

سیاق، نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید. اصل قرینه بودن سیاق و تاثیر آن در تعیین معنای واژه‌ها و مفاد جمله‌ها، یکی از اصول عقلایی محاوره است.<sup>۲</sup> به عبارت ساده تر، منظور از سیاق، آیاتی است که در درون یک سوره و پیش و پس از آیه آمده است. در موارد قابل توجهی، آیات پیشین و پسین، راه را برای فهم آیات مورد سؤال هموار و زمینه تفسیر صحیح آن را فراهم می‌کنند.

### کارکردهای سیاق در فهم آیات

با توجه به این که در درون سوره، مهمترین مفسر و منبع برای تفسیر قرآن به قرآن، سیاق آیه است، به بیان نقشهایی می‌پردازیم که سیاق آیه در تفسیر آن ایفا می‌کند:

پذیرش یا رد روایتهای ناظر به مفاد آیه

درباره برخی آیه‌ها، روایت یا روایت‌هایی نقل شده که درصدد تفسیر یا تطبیق یا توضیح و بیان شان نزول آیه است، ولی پیش از بهره‌گیری از این گونه روایتهای باید درباره درستی یا واقع نما بودن آنها بحث کرد. به همین دلیل، ملاکهای مختلفی را که عالمان اسلامی برای محک زدن روایتهای و تشخیص صحیح از

۱. تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۲۰ (با تلخیص).

سقیم توصیه کرده‌اند، به کار می‌گیریم. از جمله این ملاکها، مخالف نبودن با مفاد آیات قرآن است و یکی از قرینه‌های فهم کلام خداوند، سیاق آیه‌هاست که بر اساس آن می‌توان روایت را پذیرفت یا نفی کرد.<sup>۱</sup>

### تایید یا ابطال برداشت‌های تفسیری

درباره برخی آیه‌های قرآن، تفسیرهای متفاوت و گاه متعارضی وجود دارد که دلیل آن بی دقتی یا توجه ناکافی به قرینه‌های آیات، به ویژه قرینه سیاق است.<sup>۲</sup>

### شناخت آیه‌ها یا سوره‌های مکی و مدنی

مقصود از سوره‌های مکی و مدنی، سوره‌هایی است که پیش و پس از هجرت آن نازل شده است. دانستن مکی یا مدنی بودن سوره‌ها و آیه‌ها، در تفسیر و برداشت از آنها نقش زیادی دارد. یکی از راههای تعیین مکی یا مدنی بودن سوره، سیاق آیه‌هاست و چه بسا در برخی موارد، جز سیاق، قرینه معتبر دیگری بر مکی یا مدنی بودن نداشته باشیم.<sup>۳</sup> در سوره‌های مکی، بیشتر بحث از ایمان، توحید، معاد و مباحث انسان شناختی مطرح است و در سوره‌های مدنی، بیشتر مباحث اجتماعی، حکومتی، خانوادگی و نظامی مطرح می‌شود.

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۷۲.

۳. همان، ص ۲۷۴.

### محدود شدن مراد آیه با توجه به سیاق

سیاق در دامنه شمول آیه نقش مهمی خواهد دارد. چه بسا آیه‌ای که بدون در نظر گرفتن سیاق آن بر موارد فراوانی قابل تطبیق یا تفسیر باشد، ولی هنگامی که به قرینه سیاق توجه شود، از دایره شمول آن کاسته می‌شود و محدوده کوچک‌تری را دربرمی‌گیرد، مانند: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصُّدُقِ إِذْ جَاءَهُ الْيُسُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ...»؛ پس کیست ستم کارتر از کسی که به خدا دروغ بندد و سخن حق را دروغ پندارد...<sup>۱</sup> این آیه بدون در نظر گرفتن سیاق، هر کسی را که در هر زمانی به خدا دروغ ببندد و سخن حق را دروغ ببیند، دربرمی‌گیرد. در این میان، از آیه‌های پیشین آن به دست می‌آید که روی سخن با کافران مشرک معاصر پیامبر اعظم (ص) است و آنچه یقینی است، این که آیه به کافران پیش از پیامبر نظری ندارد، به ویژه آن که فرجام کار کافران پیشین برای عبرت آموزی معاصران پیامبر در آیات گذشته بیان شده است. همچنین به کافران آینده و مشرکانی که در سرزمین‌های دور از دعوت حضرت می‌زیستند، نظر ندارد؛ زیرا آنان حضور نداشتند تا پیامبر را تکذیب کنند و دشمنی به قیامت افتد.<sup>۲</sup>

### غرض کلی سوره

سومین مورد از درون سوره که به یاری تبیین آیات می‌شتابد، غرض اصلی هر سوره است. هر سوره با غرضی

۱. زمر: ۳۲.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۷۶.



مشخص نازل شده است<sup>۱</sup> و آیات هر سوره وحدت غرضی دارند. این غرض اصلی در تک تک آیات، بندها و فصل‌های یک سوره در جریان است و محتوای سوره در پی رساندن مخاطب به همان غرضی است که سوره برای آن نازل شده است. اگر سوره‌ها، غرض جداگانه نداشتند، تفکیک آنها به این شکل دور از حکمت بود؛ چون اشتراک در موضوع‌ها و اسلوب در سوره‌ها زیاد است و می‌توان هرچند سوره را در یک جا قرار داد و نام یک سوره بر آن نهاد. بر این اساس، در تفسیر آیات هر سوره، باید به غرض و سیر آن در ضمن آیات سوره توجه کنیم تا مقام آیه و جایگاهی که هر آیه در تأمین غرض کل سوره دارد، مشخص شود. این کار، در روشن شدن آیه و رسیدن به مقصد و مدلول آن نقش مهمی دارد.

### کارکرد غرض سوره در فهم آیات

#### رفع تناقض سیاقی

با استفاده از غرض کلی و اصلی سوره می‌توانیم تناقض‌نمایی‌های ظاهری را که در میان آیات به نظر می‌آید، برطرف کنیم و میان آنها ارتباط هدفمند برقرار سازیم. برای مثال، می‌خواهیم دریابیم هدف از ذکر بحث اکمال دین که به اجماع علمای شیعه و برخی مفسران اهل سنت در آیه سوم سوره مائده ناظر به امیر المومنین (ع) و واقعه غدیر است، چیست؟ چرا در چنین موقعیتی آمده است؟ غرض از طرح آن در میان آیات احکام و آیه مربوط به محرماتِ اکل چیست؟ همچنین است آیه

۱. المیزان، ج ۱، ص ۱۴.

اهل بیت (ع) در سوره احزاب.<sup>۱</sup>

زمانی که غرض سوره مائده روشن شود، پاسخ این پرسش آشکار می‌شود؛ چون تمام آیات یک سوره، غرض مشترکی را تعقیب می‌کنند، در حالی که هر کدام غرضی مستقل نیز برای خود دارند. نمونه دیگر، بحث ربا در سوره آل عمران است که مباحث مربوط به جهاد در راه خدا پیش و پس از آن آمده<sup>۲</sup> و بحث نماز در سوره بقره که در میان احکام مربوط به زنان مطرح شده است.<sup>۳</sup>

### ب) دیگر سوره‌ها

بسیاری از تفسیرهای قرآن به قرآن، با کمک مجموع آیات قرآن امکان پذیر است، نه تنها آیات درون یک سوره. مهم ترین موارد تفسیر با آیات سوره‌های دیگر به شرح زیر است:

### آیات هم اسلوب

مقصود از اسلوب، روش بیانی و اشتراک در واژه‌ها یا کیفیت بیان یک مطلب است. آیات هم اسلوب به آیاتی گویند که از نظر شکل بیان، شبیه هم باشند. برای مثال، در تفسیر آیات مربوط به سوره واقعه که از مقرّبین و اصحاب یمین بحث می‌کند، باید به سوره مطفّفین که در آن هم با عبارت‌هایی مشابه از ابرار و مقرّبین بحث می‌شود، مراجعه کنیم.

۱. احزاب: ۳۳.

۲. آل عمران: ۱۲۹.

۳. بقره: ۲۳۸ و ۲۳۹.

### آیات هم محتوا

آیات هم محتوا به آیاتی می‌گویند که موضوع یا پیام مشترکی را دارند، هرچند در الفاظ و کیفیت بیان دارای اختلافند. برای پیدا کردن این نوع آیات بهتر است به سوره‌هایی که موضوع‌های مشابه دارند، مراجعه کنیم. نمونه آن، آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»<sup>۱</sup> آیه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ...»<sup>۲</sup> است که هر دو آیه بدون هیچ ارتباط لفظی تنها ارتباط محتوایی دارند و هر دو به بیان برهان تمانع می‌پردازند.

### آیات متلازم

آیاتی که نه لفظ و بیان مشترکی دارند و نه محتوایی واحد را بیان می‌کنند، ولی به نوعی با هم ملازمند؛ یعنی از وجود یکی، وجود دیگری هم لازم می‌آید. برای مثال، لازمه آیه «و هو بکلّ شیء علیم»، اثبات علم به جزئیات برای خدا است که آیات دیگری مانند «يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ...»<sup>۳</sup> آن را بیان می‌کنند.

### آیات متقابل

آیاتی هستند که از نظر لفظی و معنایی، حالت تقابل و تباین دارند و نقطه مشترک آنها تنها مقابل هم بودن در یک مساله است. نمونه آن، آیات ایمان و کفر، حق و باطل، بهشت و

۱. انبیاء: ۲۲

۲. زمر: ۲۹.

۳. حدید: ۴.

دوزخ، دنیا و آخرت و همه مفاهیم ملکه و عدم ملکه درباره انسان از قبیل خوبی و بدی، عقل و جهل و... است. روش بیانی قرآن بیشتر چنین است که آیات متقابل را کنار هم می‌آورد. از این رو، با مراجعه به سیاق آیه مورد ابهام می‌توانیم عبارت‌ها و آیات متقابل را به دست آوریم. البته از آنجا که بسیاری از موضوع‌ها در سراسر قرآن کریم تکرار می‌شوند، برای استقرای کامل آیات متقابل هر موضوع باید کل قرآن را در این زمینه مرور کنیم.

### روح قرآن

یعنی فضای عمومی حاکم بر آیات و ساختار موضع گیری کلی قرآن در برابر مسایل مختلف فکری و رفتاری را روح قرآن گویند. کسی که از طهارت نفس بالایی برخوردار است و انس زیاد با قرآن دارد و بی غرض در آن می‌اندیشد، به آن دست می‌یابد.

### کارکردهای آیات دیگر سوره‌ها در فهم قرآن

#### ۱. تشریح موضوع مجمل

داستان ثمود در سوره شمس نمونه این مورد است که برخی مراحل داستان بیان نشده و موارد مطرح شده نیز بسیار گذرا و اجمالی است. در چنین مواردی، این پرسش برای مفسر پدید می‌آید که آیا سخنان دیگری هم در این قصه وجود دارد و صحنه‌های دیگری هم رخ داده است یا نه؟ در بیشتر موارد، با مراجعه به سوره‌ها و آیات دیگر، این اجمال به تفصیل و شرح تبدیل می‌شود.

## ۲. تخصیص و تفیید

در مواردی، استفاده از آیات دیگر به صورت تخصیص زدن و محدود کردن حکم یا موضوع آیه مورد تفسیر است. تاثیر و ارتباط آن آیات با معنای آیه مورد تفسیر به گونه‌ای است که با توجه به آن آیات، مفهوم عام و کلی آیه مورد بحث، به افراد معینی محدود می‌شود، مانند آیات شفاعت و آیات عدّه طلاق<sup>۱</sup> و آیات خوردنی‌های حلال و... .

## ۳. کشف ترتیب نزول آیات

گاهی آیات هماهنگ تفسیری، از نظر تحلیل مبادی فهم پیوند تصویری یا تصدیقی نسبت به یکدیگر ندارند تا به وسیله آیه ای، معنای آیه دیگر روشن شود، بلکه با هم پیوند ترتیبی و تاریخی دارند، به دیگر سخن، از انضمام آیه‌ای به آیه دیگر معلوم می‌شود کدام آیه پیش تر و کدام آیه بعدتر نازل شده است، مانند آنچه از انضمام آیه «...أَوْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا»<sup>۲</sup> و «...فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ...»<sup>۳</sup> بر می‌آید؛ زیرا گذشته از آن که معلوم می‌شود آن «سبیل» که در سوره نساء بازگو شده، چیست، روشن می‌شود که سوره نور پس از سوره نساء نازل شده یا دست کم این بخش از سوره نور پس از آن بخش معین از سوره نساء فرود آمده است.<sup>۴</sup>

---

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۷۷.

۲. نساء: ۱۵.

۳. نور: ۲.

۴. تسنیم، ج ۱، صص ۱۲۲ و ۱۲۳.

#### ۴. نسخ (محدود شدن زمانی)

در مواردی، تاثیر آیات دیگر در آیه مورد تفسیر به صورت نسخ است و استفاده از آن آیات برای تعیین مدت زمان عمل به آیه مورد تفسیر است.<sup>۱</sup>

#### ۵. تعیین مصداق آیه

در مواردی، استفاده کردن از آیات دیگر در تفسیر، به صورت تبیین و تعیین مصداق است؛ به این معنا که در نظر نگرفتن آن آیات سبب اشتباه در فهم آیه نمی شود، ولی مفاد آیه‌ای که در مقام تفسیر آن هستیم، مجمل و سر بسته می‌ماند. با توجه به آن آیات است که مقصود از آیه مورد تفسیر به خوبی آشکار و مصداق آن مشخص می‌شود،<sup>۲</sup> مانند: «صراط الذین انعمت علیهم» که مصداق «انعمت علیهم» در آیه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»<sup>۳</sup> بیان شده است.

#### ۶. تعیین یا ترجیح یک معنا بر معنای دیگر

گاهی در مفاد آیه یا معنای مفردات آن، دو احتمال داده می‌شود، ولی با توجه به آیه‌ای دیگر، یکی از آن دو احتمال تعیین یا دست کم ترجیح داده می‌شود. برای مثال، در آیه کریمه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...»<sup>۴</sup>

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۲۷۹.

۳. نساء: ۶۹.

۴. بقره: ۲۳.

در مرجع ضمیر «مثله» دو احتمال داده‌اند: یکی این که به «ما نزلنا» برمی‌گردد و مفاد آیه کریمه، دعوت همه افراد به آوردن سوره‌ای مانند سوره‌های قرآن است؛ خواه آورنده آن سوره درس خوانده باشد و خواه درس نخوانده. احتمال دیگر این است که ضمیر آن به «عبدنا» بر می‌گردد. در این صورت، مفاد آیه، دعوت به آوردن سوره‌ای از شخصی درس نخوانده‌ای مانند رسول اکرم (ص) است و هدف، اثبات اعجاز قرآن از جهت آورنده آن است. با توجه به تفاوت این آیه کریمه با آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاتَّبُوا بِسُورَةِ مِثْلِهِ...»<sup>۱</sup>

به دلیل وارد شدن کلمه «من» بر «مثله» و سازگاری صدر این آیه «و ان كنتم في ريب...» با آیه «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُّهُ بِيَمِينِكِ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ»<sup>۲</sup> احتمال دوم را می‌توان ترجیح داد.

#### ۷. فهم نکته جدید از مجموعه دو آیه

گاهی با توجه به معنای دو آیه، از مجموع آن دو می‌توان مطلب جدیدی دریافت که هیچ یک از آن دو آیه به تنهایی بر آن دلالت ندارند. برای مثال، از توجه به دو آیه کریمه «...وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...»<sup>۳</sup> «حاملگی و شیردهی آن سی ماه است» و «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...»<sup>۴</sup> «و مادران

۱. یونس: ۳۸.

۲. عنکبوت: ۴۸.

۳. احقاف: ۱۵.

۴. بقره: ۲۳۳.

فرزندانشان را دو سال کامل شیر می‌دهند» بر می‌آید که کم‌ترین دوران حمل، شش ماه است. نکته جدیدی که از تلفیق دو آیه به دست می‌آید این است که هر آیه به تنهایی یک پیام دارد ولی با تلفیق دو آیه، پیام سومی به دست می‌آید که به تنهایی از هیچ یک از دو آیه به دست نمی‌آید.

#### ۸. روشنگری محدود نسبت به مفاد آیه

گاه توجه به آیه دیگر برای تبیین مفاد آیه مورد تفسیر کافی نیست، ولی مفسر را تا حدی به مفاد آن نزدیک می‌سازد و زمینه را برای فهم معنای آن فراهم می‌کند. برای مثال، در مورد مقصود آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَتَوَلَّوْا انظُرْنَا واسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید «راعا» و بگویید «انظرنا» و [این دستور را] بشنوید [و به آن گوش جان بسپارید] و برای کافران عذاب دردناکی است»، و به ویژه ذیل آن که خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «برای کفار، عذاب دردناکی است» و تناسب صدر و ذیل آیه، توجه به آیه کریمه «مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لَيَّا بِالسِّنِّهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمِعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»<sup>۲</sup> «و از یهودیان، کسانی هستند که کلمات را جابه جا کنند و با پیچاندن زبان [در تلفظ کلمات] و برای طعنه زدن می‌گویند شنیدیم و نپذیرفتیم و سخن

۱. بقره: ۱۰۴.

۲. نساء: ۴۶.



ما بشنو و نشنیده بگیر، حال آنکه اگر می‌گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم و سخن ما بشنو و در حال ما بنگر، برایشان بهتر و استوارتر بود، ولی خداوند آنان را به سبب کفرشان نفرین کرده است...»، زمینه فهم بهتر را فراهم می‌سازد. از این آیه فهمیده می‌شود که یهود با لحن مخصوصی به قصد طعن در دین، «راعنا» می‌گفتند و «أنظرنا» نمی‌گفتند. پس مراد از این که مؤمنان از گفتن «راعنا» نهی شده‌اند، هم صدا نشدن با یهود و جلوگیری از سوء استفاده یهودیان است و جمله «وللکافرین عذاب الیم» هم به یهود نظر دارد.<sup>۱</sup>

#### ۹. کشف چینش تکوینی امور

گاهی آیات منسجم تفسیری نسبت به یکدیگر پیوند مفهومی ندارند تا مبادی تصویری یا تصدیقی یکی از آنها به وسیله دیگری حلّ شود، چنانکه در مورد هفتم به آن اشاره شد، بلکه چینش ویژه امور در قوس نزول از مبدأ جهان یا در قوس صعود به طرف غایت و نهایت جهان که همان مبدأ نخست است، از انضمام آنها به یکدیگر به دست می‌آید. به دیگر سخن، مراتب صدور فیض از خدا معلوم می‌گردد و مراحل برجیدن نظام کیهانی در بازگشت آدم و عالم به سوی خدا روشن می‌شود. برای نمونه، در مورد برجیدن سلسله جبال، از انضمام آیات مربوط به آن شاید بتوان استنباط کرد که در اشراف ساعت و هنگام پدیدار شدن علامت قیامت، سیر برطرف شدن کوهها از

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، صص ۲۸۱ و ۲۸۲.

کجا آغاز و به کجا پایان می‌یابد و میان «کَثِيبًا مَّهِيلًا»<sup>۱</sup>، «كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ»<sup>۲</sup>، «قَاعًا صَفْصَفًا»<sup>۳</sup> و سرانجام، سراب شدن کوه‌ها چه ترتیبی خواهد بود: «و سِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا»<sup>۴</sup>.

#### ۱۰. دستیابی به تبیین جامع و حل تعارض ظاهری آیات

برخی موضوعهای مطرح شده در قرآن، به ویژه برخی قصه‌های آن، با بیان‌های متفاوت در آیات مختلفی به طور پراکنده آمده است، به گونه‌ای که خواننده ناآشنا به تفسیر در صورتی که به آیات یاد شده در یک نگاه کلی ننگرد، گمان می‌کند میان آنها اختلاف و تعارض وجود دارد. بی شک، آیات قرآن مجید، مهم ترین و مناسب ترین منبع برای رفع این تناقضهای ظاهری است و بسیاری از معضلات فهم و تفسیر قرآن، با در نظر گرفتن و جمع بین آیات دیگر قابل حل است.

برای نمونه، در بحث قبض روح که در برخی آیات به آن اشاره شده، در جایی «تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا»<sup>۵</sup> آمده است و در جای دیگر می‌فرماید: «تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ»<sup>۶</sup> و در جای سوم آمده است: «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»<sup>۷</sup> و در

۱. مزمل: ۱۴.

۲. قارعه: ۵.

۳. طه: ۱۰۶.

۴. نبا: ۲۰.

۵. انعام: ۶۱.

۶. نحل: ۲۸.

۷. سجده: ۱۱.

جایی دیگر تنها خدا را گیرنده جانها می‌داند: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...»<sup>۱</sup> ظاهر آیات نشان دهنده بیانهای ناسازگار با یکدیگر است، ولی با کنار هم گذاشتن این چهار مورد می‌توانیم میان آنها تناسب و ارتباط منطقی برقرار کنیم و این تناقض ظاهری را به هماهنگی تبدیل کنیم، به این صورت که گرفتن جانها در اصل در دست خدا است و فرشتگان در این راه نقش واسطه دارند و فرشتگان دیگر که جانها را می‌ستانند، پیرو فرمان ملک الموت هستند.<sup>۲</sup>

#### ۱۱. استشهاد برای برداشت مورد نظر

گاهی برای رفع استبعاد از معنایی که برای آیه بیان شده است، به نظیر آن در آیه دیگر توجه داده می‌شود. برای مثال، در تفسیر آیه کریمه «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا»<sup>۳</sup> برای بیان منافات نداشتن تعبیر «لا جناح» با وجوب شکسته خواندن نماز و رفع استبعاد از آن، به آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»<sup>۴</sup> استشهاد شده است.

۱. زمر: ۴۲.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

۳. نساء: ۱۰۱.

۴. بقره: ۱۵۸.

## ۱۲. کشف منشأ، علت و حکمت

گاهی برای به دست آوردن منشأ، علت و حکمت مطلبی که در آیه‌ای بیان شده است، از آیه دیگر کمک گرفته می‌شود. برای مثال، در آیه کریمه «ختم الله علی قلوبهم...» برای پی بردن به این که چرا خداوند بر دلهای آنها مهر زده است و منظور از مهر زدن بر دلها چیست، از آیه «بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا»<sup>۱</sup> کمک گرفته شده است.<sup>۲</sup>

## ۱۳. دستیابی به پرسش مستفاد از آیه

گاهی آیه‌ای به عنوان متن نازل می‌شود و پرسشهای فراوانی به همراه دارد که به برخی از آن پرسشها به وسیله صراحت یا ظهور لفظی آیات دیگر که به مثابه شرح آن متن و تفصیل آن محمل فرود می‌آیند، پاسخ داده می‌شود، ولی پاسخ بعضی دیگر از این پرسشها از ظهور منطوق آیات بعدی استنباط نمی‌شود، بلکه از راه ملازمه و مانند آن به دست می‌آید، به گونه‌ای که از مجموع مذکور و محذوف یا منطوق و مفهوم و مسکوت عنه، شرح آن متن روشن می‌شود.<sup>۳</sup> برای نمونه، از آیه کریمه «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا...»<sup>۴</sup> این پرسش مطرح می‌شود که مگر ممکن است خدا دلها را منحرف سازد و به باطل متمایل کند؟ پاسخ این پرسش با توجه به آیه «فَلَمَّا زَاغُوا

---

۱. نساء: ۱۵۵.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۸۴.

۳. تسنیم، ج ۱، ص ۱۲۵.

۴. آل عمران: ۸.

أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ<sup>۱</sup>، آشکار می‌شود.<sup>۲</sup>

#### ۱۴. کشف واژه‌های حذف شده یا مقدر

گاهی از ذکر مبتدا یا خبر، فاعل یا فعل و نیز از ذکر شرط یا جزا و مقدم یا تالی در آیه‌ای معلوم می‌شود آنچه از این عنوان‌ها در آیه دیگر حذف شده، چیست. مثلاً برای تعیین فعل محذوف آیه «وَإِلَى تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا...»<sup>۳</sup> در سوره اعراف از آیه دیگر همان سوره؛ یعنی آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ...»<sup>۴</sup> می‌توان چنین دریافت که فعل محذوف «ارسلنا» است، چنان که کلمه «الی» شهادت می‌دهد. درباره آیه «وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا...»<sup>۵</sup> نیز همین استنباط وجود دارد؛ یعنی فعل محذوف، «ارسلنا» است.<sup>۶</sup> در برخی آیات به خاطر شرایط خاص زمان نزول، به قضیه‌ای با تعداد اندکی واژه اشاره داشته و برخی واژه‌ها را حذف کرده است. در چنین مواردی با تدبیر در آیات هم اسلوب و هم موضوع می‌توان جاها و واژه‌های حذف شده در یک جا را با واژه‌ها یا آیات ذکر شده در جای دیگر پوشش داد. نمونه آن، آیه «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ»<sup>۷</sup> است که با

۱. صف: ۵.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۸۵.

۳. اعراف: ۷۳.

۴. اعراف: ۵۹.

۵. اعراف: ۶۵.

۶. تسنیم، ج ۱، ص ۱۱۴.

۷. حجر: ۵۲.

توجه به آیات مشابه در سوره‌های دیگر، جواب سلام ابراهیم(ع) در این آیه حذف شده است.

#### معرفی تفسیرهای مهم قرآن به قرآن

از یک نظر می‌توان گفت که تمامی تفسیرها از تفسیر قرآن به قرآن هرچند در حد ابتدایی و محدود بهره‌مند شده‌اند. در طول تاریخ تفسیر، تفسیری نداریم که به طور محض قرآن را با قرآن تفسیر کرده باشد، ولی این روش در برخی تفسیرها جایگاه ویژه‌ای داشته و روش اصلی تفسیر بوده است که اکنون به مهم‌ترین آنها در میان تفسیرهای شیعی اشاره می‌شود.

#### ۱. تفسیر المیزان

علامه طباطبایی، شیوه تفسیر قرآن به قرآن را به عنوان شیوه اساسی در کشف معانی قرآن و آگاهی از مدلول‌های آن برگزیده است. وی هنگام تفسیر آیات و آگاهی از مقصودهای آن، به نتایج این روش اعتماد می‌کند.<sup>۱</sup> چیزی که تفسیرالمیزان را بر تفسیرهای دیگر برتری می‌بخشد، این است که علامه چنان روشی را در پیش گرفته که بیشترین استناد و استنباط از آیات و تعمق و تدبر در آنها برای کشف معانی قرآن و آگاهی از مضمون‌ها یا مفاهیم آن را داشته است. کسی که المیزان را مطالعه کند، به کثرت بیان و استدلال به قرآن، برای آشکار ساختن معنا و کشف مفاهیم آیات پی می‌برد.<sup>۲</sup> علامه در کنار توجه اساسی به تفسیر قرآن به قرآن، از روایات نیز بهره کافی

۱. روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ص ۱۸۱.

۲. همان، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

برده است و معمولاً بخشی از روایات را که با آیات مورد بحث تناسب داشته است، بررسی می‌کند. از این رو، گرچه روش اصلی وی، تفسیر قرآن به قرآن است، ولی توجه ایشان به روایات نشان می‌دهد که از هر دو روش استفاده کرده است.

**نکته مهم** آن است که با توجه به مقدمه خود المیزان و ساختار مباحث تفسیری المیزان، همه المیزان، تفسیر قرآن نیست. تنها بحثهایی که پس از ذکر آیات با عنوان «بیان» می‌آید، تفسیر مورد نظر علامه است و بقیه مباحث به نوعی تکمیلی، التزامی، مناسبتی یا استطرادی‌اند. برخی از این مساله غفلت دارند و المیزان را تفسیری فلسفی یا اجتماعی می‌خوانند، حال آنکه مباحث فلسفی، اجتماعی و مانند آن، پس از پایان بحث تفسیری و در تناسب با بحث تفسیری است، نه ادامه تفسیر آیات. پس فلسفی یا کلامی بودن المیزان به روش المیزان مربوط نیست، بلکه از جمله گرایش‌هایی است که علامه آن را در مباحث اجتهادی خود درباره مسایل مربوط به آیه پی‌گیری می‌کند.

ترتیب مباحث المیزان به صورت زیر است:

#### ۱. بخش اصلی تفسیر المیزان.

ذکر آیات به صورت مجموعه‌ای از آیات هم موضوع در حد یک گفتار.

بیان (که بخش اصلی المیزان است و مقصود علامه از روش تفسیری ایشان همین بخش است که تفسیر قرآن به قرآن است). بحث روایی (علامه معمولاً روایات را تطبیقی می‌داند، نه تفسیری).

## ۲. بخش استطرادی و مناسبتی

بحث تاریخی

بحث فلسفی

بحث اجتماعی

بحث عرفانی

بحث علمی

مبلغان محترم باید بدانند که المیزان فقط یک تفسیر نیست، بلکه دایره‌المعارف اجتهادی درباره معارف اسلامی با بیان محکم قرآنی و ادله کلامی و فلسفی است. از این رو، هر آنچه مربوط به دین باشد و آیه‌ای از قرآن درباره آن بحث کرده باشد و همه موضوع‌های مورد بحث در حوزه معارف اسلامی در این تفسیر یافت می‌شود. در مباحثی که مبلغان محترم درباره معارف دینی مطرح می‌کنند، مراجعه به این تفسیر، ضرورت دارد و انس گرفتن با المیزان به افزایش سطح علمی و توان معرفتی مبلغ و در نتیجه، پربار شدن تبلیغ می‌انجامد.

## ۲. تفسیر تسنیم

تفسیر تسنیم، اثر مفسر و حکیم معاصر، عبدالله جوادی آملی است که از شاگردان برجسته مرحوم علامه طباطبایی (ره) ابه شمار می‌رود. ایشان با پی‌گیری ایده استاد در تفسیر قرآن به قرآن، در تکامل روش مندی آن در مقدمه تسنیم کوشیده است. آیت الله جوادی آملی با افزایش اشارات و لطایف در تفسیر خود، به تفسیر قرآن به قرآن بسنده نکرده و بحث روایی را به عنوان تتمه مباحث تفسیری خود قرار داده است. بنابراین، این تفسیر یک تفسیر کامل اجتهادی است، با این ویژگی که پدید آورنده آن، نقش روش قرآن به قرآن را از دیگر روش‌ها بالاتر



می‌داند، به گونه‌ای که هم در روش شناسی تسنیم و هم در تفسیر آیات، اهمیت ویژه‌ای به تفسیر قرآن به قرآن داده است. به نظر می‌رسد منبع اصلی تسنیم چیزی جز المیزان نباشد، گرچه به منابع دیگر نیز مراجعه شده است، ولی خواننده آگاه، در بخش‌های مهمی از تسنیم، آن را به مثابه شرحی بر المیزان به شمار می‌آورد. در واقع تسنیم گام دوم المیزان است که از نظر نظم مباحث، افزایش اشارات و لطایف و غنی سازی بحث روایی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دارد.

ترتیب مباحث تسنیم بدین گونه است:

ذکر یک و در مواردی دو آیه: تسنیم بر خلاف المیزان، آیات را دسته بندی نمی کند و آیات را یک به یک و گاهی دو آیه در کنار هم می‌آورد، البته در بخش‌های مختلفی از سوره، درباره دسته بندی‌ها و روابط آیات و موضوع‌ها بحث کرده است. گزیده تفسیر (به جای ترجمه): این تفسیر به ترجمه آیات نپرداخته و خلاصه‌ای از تفسیر آیه را به عنوان ترجمه مطرح کرده است.

تفسیر که شامل موارد زیر است:

مفردات: بررسی معنای لغوی واژگان مطرح شده در آیه.

تناسب آیات: ارتباط آیه با آیه یا آیات قبلی.

تفسیر.

اشارات و لطایف: اشارات و لطایف در این تفسیر بر اساس روایت شریفه وارد شده از امام حسین(ع) درباره وجوه قرآن است که فرمود: «إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَحْرَفٍ، عَلَى الْعِبَارَاتِ وَ الْإِشَارَاتِ وَ اللَّطَائِفِ وَ الْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَاتِ لِلْعَوَامِ وَ الْإِشَارَاتِ

لِلْخَوَاصِّ وَ اللَّطَائِفِ لِلْأَوْلِيَاءِ وَ الْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ»<sup>۱</sup>. امام در این روایت، اشارات را از آن خواص و لطایف را از آن اولیا دانسته است. در تفسیر تسنیم، مطالبی که حالت غیر تفسیری دارند، در بخش اشارات و لطایف آمده است. البته روشن است که اشارات و لطایف (چنان که گذشت)، گامی پس از تفسیر است. از این رو، در این تفسیر، عنوانی جداگانه برای آن به کار برده‌اند.

بحث روایی: در بحث روایی افزون بر نقل روایات به شرح و تبیین و مقایسه آنها نیز می‌پردازد و به نوعی فقه الحدیث خوبی ارائه و تفسیر روایی درایی را تجربه می‌کند.

تفسیر تسنیم، تفسیری خاص و برای خواص است، ولی مبلغان محترم باید بدانند که مخاطبان آنها همواره افراد بی سواد و کم سواد نیستند و روز به روز بر تعداد مخاطبانی که اطلاعات دینی و قرآنی مناسبی دارند، افزوده می‌شود. برای تبلیغ در برخی مراکز و مناطق لازم است آگاهی‌های دقیق تر و عمیق تری نسبت به قرآن کریم داشته باشیم. بر این اساس، شایسته است مبلغان مستقر در دانشگاهها و مراکز قرآنی با این تفسیر آشنا باشند و از آن استفاده کنند.

### ۳. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه

این تفسیر اثر محمد صادقی از علمای معاصر شیعه و صاحب نظر در فقه، فلسفه و علوم قرآن است. سبک تفسیری او چنان که از عنوان تفسیر پیداست، روش قرآن به قرآن است. البته ایشان افزون بر عنایت به این امر، در هر سوره به بحثهای مفصل

فقهی مرتبط با کل سوره (مانند سوره حمد)<sup>۱</sup> یا آیات سوره‌ها پرداخته است. همچنین در مواضع مختلف به بحثهای تطبیقی قرآن با دیگر کتاب‌های آسمانی می‌پردازد.<sup>۲</sup> بنا بر این، تفسیر قرآن به قرآن محض نیست و از روش‌های دیگر نیز بهره برده است. با این حال، چون خود وی در مقدمه تفسیر فرقان بر این روش تاکید دارد و پس از میزان و تسنیم بیش از دیگر تفسیرها از تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده است، آن را جزو تفسیرهای این روش می‌توان به شمار آورد.

این تفسیر دارای مقدمه‌ای درباره روش شناسی تفسیر قرآن و ترجیح روش قرآن به قرآن و بحثهایی از علوم قرآن مانند نسخ و عدم تحریف قرآن است. نویسنده، تفسیر روایی را نیز به تفسیر قرآن به قرآن پیوند می‌دهد؛ چون اعتبار خود روایات با عرضه بر قرآن تأمین می‌شود. البته به دلیل تنوع مباحث تفسیری در این تفسیر، آن را همچون میزان و تسنیم می‌توان تفسیر اجتهادی نیز خواند.

ترتیب کلی مباحث تفسیر فرقان به صورت زیر است:

بیان اهمیت سوره و نامها و مشخصات هر سوره.

ذکر بخشی از آیات سوره (این تفسیر همانند میزان، چند آیه را که در موضوع جزئی مشترکند یک جا می‌آورد).  
در برخی موارد، درباره همه آیات یک دسته توضیحی کلی می‌دهد.

بیان آیه اول از هر دسته و تفسیر آن. در تفسیر ابتدا به بیان

۱. الفرقان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. همان، ص ۱۴۲.

معنای لغوی واژه‌ها می‌پردازد. سپس آیات متناسب با آیه را از قرآن کریم می‌آورد و پرسش‌هایی درباره آیه مطرح می‌کند. آن گاه با بحث قرآنی و روایی، لغوی، ادبی و گاه عقلی به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

اگر آیه از آیات فقهی مرتبط با احکام باشد، به احکام فقهی آیه می‌پردازد و اگر با تورات و انجیل و... مرتبط باشد، به آنها اشاره می‌کند.

سپس دسته دیگری از آیات را به همان شکل مطرح می‌کند تا سوره به پایان می‌رسد.

### تفسیر قرآن به سنت

از تفسیر قرآن به روایت و سنت معصومین(ع) به تفسیر «روایی» یاد می‌شود. آن روایت ممکن است از پیامبر اعظم(ص) باشد که اهل سنت در تفسیرهای روایی خود از آن بهره می‌گیرند یا روایات ائمه معصومین(ع) که شیعیان از روایات آنان نیز در تفسیر روایی خود استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup> چون بر اساس حدیث متواتر ثقلین، عترت طاهرین(ع) همتای قرآن هستند، تمسک به یکی از آن دو بدون دیگری مساوی با ترک هر دو است پس برای دستیابی به دین کامل، اعتصام به هر کدام باید همراه با تمسک به دیگری باشد. تفسیر قرآن به سنت گرچه لازم و ضروری است، ولی چنین تفسیری در قبال تفسیر قرآن به قرآن همانند ثقل اصغر است در ساحت ثقل اکبر؛ یعنی در طول آن است، نه در عرض آن و همراهی آن دو با هم به صورت

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۶۹.

لازم و ملزوم است، نه به صورت ملازم؛ و به نهج طولی است، نه عرضی.<sup>۱</sup> تفسیر قرآن به سنت، گام دوم در حرکت تفسیری است و چنان که تفسیر قرآن به قرآن باید از قواعد علوم قرآنی پیروی کند، تفسیر قرآن به سنت نیز باید از قواعد علوم حدیث پیروی کند. سنت بر دو قسم است:

**سنت قطعی:** سنت قطعی همچون قرآن، منبعی برای عرضه سنت غیر قطعی است، گرچه اعتبار سنت قطعی هم متوقف بر اعجاز قرآن است. پس اعتبار آن متأخر از قرآن است، ولی سنت قطعی فراوان نیست.

**سنت غیر قطعی:** آنچه باید بر قرآن عرضه شود و تابع قواعد علوم حدیث است، سنت غیر قطعی است که در آن باید به جنبه‌های مختلف سند و متن حدیث توجه کرد و سپس به سنت قطعی و قرآن عرضه کرد.

### دسته بندی روایات در تفسیرهای روایی

#### ۱. روایات بیانگر معانی

بخش اندکی از روایات تفسیری که در مجموعه‌های روایی و تفسیرهای روایی وجود دارد، به بیان معانی آیات و فهم واژگان مربوط می‌شود. نمونه آن، روایت **عبدالعظیم حسنی** از امام جواد(ع) درباره توضیح واژه‌های منخنقه، موقوذه، متردیه و نطیحه در آیه سوم سوره مائده که فرمود: منخنقه، حیوانی است که خود خفه شده و مرده است. موقوذه، حیوانی است که بیماری او را از پا درآورده (و مرده) است. متردیه، حیوانی است که از جای بلندی

---

۱. تسنیم، ج ۱، صص ۱۳۱ - ۱۳۳.

به پایین افتاده یا از کوه سقوط کرده یا در چاه افتاده و مرده است و نطیحه، حیوانی است که حیوان دیگری به او شاخ زده و مرده است.<sup>۱</sup>

## ۲. روایات بیانگر مصادیق

بسیاری از روایات وارد شده در تفسیرهای روایی مانند «نورالثقلین» و «برهان» از سنخ جری و تطبیق‌اند، نه تفسیر؛ زیرا تفسیر، بیان معنا و مقصود آیات است و بیشتر این روایات چنین نیستند، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی از مصداق‌ها و در موارد فراوانی، تطبیق برجسته‌ترین مصداق آن هستند، همانگونه که آیه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» بر یهود و نصارا تطبیق شده است. این گونه روایات بر فرض صحت و تمامیت سند و جهت صدور، هرگز گستره شمول و عموم معنای آیه را محدود نمی‌کند و بیان مصداق کامل یا یک مصداق از مصداقهای دیگر را نفی نمی‌کند، بلکه آیه دارای معنایی عام است و همچنان به عموم خود باقی است.<sup>۲</sup> چون قرآن به عصر نزول اختصاص ندارد و در همه زمانها و مکانها ساری و جاری است. در این میان، در موارد بسیاری، روایاتی از معصومین (ع) را می‌بینیم که آیه‌ای را به شخصی تطبیق می‌دهند. این گونه روایات از سنخ تفسیر معانی و مقاصد آیه نیست، ولی در تطبیق آیه با اشخاص خارجی می‌تواند به عنوان نمونه مطرح شود. در مثالی دیگر، درباره مصداقهای مختلف «سحت»، روایات متعددی نقل شده

۱. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۷.

۲. تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۸.

است. از جمله از امام صادق(ع) نقل شده است که امیرالمومنین(ع) فرمود:

پولی که در برابر حیوان مرده و سگ گرفته می‌شود و... رشوه‌ای که قاضی می‌گیرد و مزد کاهن، از (مصادقهای) سحت است.<sup>۱</sup>

### ۳. روایات بیانگر مفاد آیات

در این نوع از روایات، تفسیر و توضیح بیشتر درباره مفاد مطرح در آیه بیان شده است که به فهم بهتر و بیشتر آیه کمک می‌کند. نمونه آن، روایت عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) است که حضرت درباره آیه «واذکروا اسم الله علیها صواف فاذا وجبت جنوبها...»<sup>۲</sup> فرمود:

آن[یاد کردن نام خدا بر شترانی که نحر می‌شوند] زمانی است که شتران برای نحر کردن به صف می‌شوند، دستهای آنان را از زانو تا سم می‌بندند و مراد از «وجبت جنوبها» زمانی است که روی زمین می‌افتند.<sup>۳</sup>

### ۴. روایات بیانگر بطن

در این روایات، از معانی یا مصداق‌هایی برای آیات سخن به میان آمده است که استفاده آن معانی از آیه یا انطباق آیه بر آن مصداق‌ها روشن نیست یا از مصداق‌هایی است که در زمان بیان آن هنوز رخ نداده و به این دلیل، پوشیده است. برای مثال،

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۴۲؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۸۹.

۲. حج: ۳۶.

۳. بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۳۰۱؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۹۰.

عبدالله بن سنان می‌گوید: «به امام صادق(ع) گفتم: خدا در کتاب خود به من فرمانی داده است. دوست دارم [تفسیر] آن را بدانم. فرمود: آن چیست؟ گفتم: سخن خدای عز و جل «ثُمَّ الْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ»<sup>۱</sup> فرمود: کوتاه کردن موی شارب و چیدن ناخن‌ها و مانند آن. گفتم: فدایت شوم! ذریع محاربی از قول شما برای من نقل کرد که شما به او فرموده اید: «ثُمَّ الْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»، دیدار با امام و «ولکیوفوا نُذُورَهُمْ» [انجام دادن] آن مناسک است حضرت فرمود: ذریع راست گفته است و تو نیز راست می‌گویی. همانا برای قرآن، ظاهر و باطنی است و چه کسی تحمل می‌کند آنچه را ذریع تحمل می‌کند؟»<sup>۲</sup>

### استنطاق

استنطاق قرآن، طلب سخن گفتن قرآن درباره پرسش‌هایی است که مفسر توانا از قرآن می‌پرسد. از آنجا که علم و مهارت کامل در استنطاق آیات از آن معصومین(ع) است، در روایات آن بزرگواران، مواردی از استنطاق آیات را درباره موضوع‌هایی که از آنان پرسیده‌اند، می‌توان یافت.

#### تکمیل مراحل قصص و تکوینیات

قرآن کریم در مواردی مانند داستان‌های پیامبران، احوال قبر وبرزخ، خلقت آسمان‌ها، زمین، فرشتگان، اجنه و شیاطین و عالم غیب، به اجمال و بیان کلیات بسنده کرده است، ولی روایات به تفصیل بیشتری در این زمینه‌ها پرداخته‌اند.

۱. حج: ۲۹.

۲. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۸۳؛ روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۹۱.



راهنمایی برای تفسیر قرآن به قرآن  
از آنجا که روش تفسیری اهل بیت(ع)، روش قرآن به قرآن  
بوده است، موارد متعددی از این نوع تفسیر را در کلمات آنان  
می‌توان یافت، این روایات هم منبعی برای روش تفسیر قرآن به  
قرآن به شمار می‌روند و هم نمونه‌ها و شواهد کاملی از این نوع  
تفسیرند.

### شاهد برای یک قول تفسیری

در برخی موارد، روایت وارد شده از معصومین(ع) در تایید  
یک نظر یا رد نظر مقابل استفاده می‌شود که در این صورت،  
روایت وارد شده، شاهدی بر صحت تفسیر و نظریه‌ای است که  
با آن موافق است.

### حقایق قرآن و تاویل آن

از آنجا که دسترسی به حقایق قرآن در اختیار پیامبران و  
معصومین(ع) است، برای دست یابی مفسران به این حقایق،  
راهی جز جست و جو در میان روایات وارده نیست.

### احکام

قرآن کریم در بیان احکام با اجمال و اطلاق پیش رفته و  
روایات تمامی احکام مطرح شده در قرآن کریم را به تفصیل  
توضیح می‌دهند، مانند شبهه در وضو، کیفیت نماز، روزه، حج  
و....

شناسه سوره و شان و فضای نزول سوره‌ها و فضیلت آیات  
و سوره‌ها

شناختن شأن نزول سوره‌ها و فضیلت آیه‌ها و سوره‌ها راهی

جز توسل به روایات اهل بیت(ع) و روایات تاریخی ندارد.

### مراحل تفسیر روایی

تفسیر روایی، گام دوم برای کشف نظر اسلام است. پس از تفسیر قرآن به قرآن باید این گام را با دقت و صحت تمام برداشت و مراحل عملی آن را به شرح زیر پیمود:

استقرای تمامی روایات مربوط به الفاظ و معانی و موضوع‌های مرتبط با آیه از تفسیرهای روایی

تشخیص صحت سند هر روایت

تشخیص نوع هر روایت (بررسی دلالتی و متنی روایت)

حذف روایات تکراری

تنظیم روایات مرتبط با آیه یا آیات

الف) تنظیم بر اساس چینش الفاظ آیه (مانند تفسیر نورالثقلین و البرهان که فقط به این مرحله پرداخته‌اند).

ب) تنظیم بر اساس ریز موضوع‌های مطرح در آیه (در این مورد در بخش مربوط به ریز موضوع‌های آیات، تفسیر راهنما، منبع کاملی است، ولی هنوز روایات به این شکل تنظیم نشده است).

ج) تنظیم بر اساس پرسش‌های مطرح در آیه (در تفسیرهای روایی کنونی این حالت به صورت نامنظم و پیش بینی نشده وجود دارد و ما می‌توانیم هنگام پرداختن به تفسیر یک آیه در میان روایات مربوط به آن چنین نظم‌ی ایجاد کنیم که البته در تفسیرهایی مانند تسنیم و نمونه مقداری از این کار صورت گرفته است).

یک- پرسش در نزول

دو - پرسش در معنا و مفهوم

سه - پرسش در مصداق

چهار - پرسش در فضیلت و اهمیت

پنج - پرسش در حکم

شش - پرسش در فروعات

هفت - پرسش در حقیقت

جمع بندی عصاره روایت یا روایات یا عرضه روایت بر

روایات

عرضه روایت بر آیه

تشخیص نوع ارتباط یا کمک روایت به فهم آیه

مراحلی که ذکر شد، تابع منبع خاصی نیست و بیشتر در نظر

گرفتن جنبه پژوهشی در بررسی روایات یک موضوع مطرح

است. چون در اینجا آیات قرآن موضوع کاوش روایی‌اند، همین

مراحل می‌تواند راه گشای مفسر در تکمیل تفسیر روایی خویش

باشد.

## معرفی تفسیرهای مهم روایی

### ۱. تفسیر قمی

منسوب به ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م ۳۲۹) از

مشایخ حدیث است و کلینی از وی روایت کرده است. این

تفسیر، تلفیقی از املاهای قمی و تفسیر ابی الجارود (م ۱۵۰) از

اصحاب امام باقر (ع) است که ابوالفضل العباس بن محمد بن

حمزه تهیه و تدوین کرده است. بنابراین، در این تفسیر، روایاتی

که از امام باقر (ع) نقل شده، از طریق ابی الجارود بوده و روایاتی

که از امام صادق (ع) نقل شده، از طریق علی بن ابراهیم است و

این تفسیر در مجموع اثر هر سه تن آنها است.<sup>۱</sup> روش تفسیر قمی این گونه است که پس از ذکر مقدمه که بیشتر درباره مباحث علوم قرآنی است، تفسیر را بر حسب ترتیب سوره‌ها و آیات به صورت آیه به آیه آغاز می‌کند. پس از ذکر هر آیه، آنچه را از قمی روایت شده است، می‌آورد و این سبک را تا پایان سوره بقره ادامه می‌دهد. از آغاز سوره آل عمران، روایات ابی جارود و گاهی نیز دیگر روایات را به روایات قمی اضافه می‌کند. این تفسیر بر ظواهر قرآن اعتماد دارد و در برخی موارد، به لغت و شواهد تاریخی هم استناد می‌جوید. البته در برخی روایات این تفسیر، وهن و ضعف دیده می‌شود، گرچه موارد کمی است. این تفسیر در مجموع، تفسیر نفیسی است.<sup>۲</sup>

## ۲. تفسیر نورالثقلین

شیخ عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (م ۱۱۱۲) از علما و محدثان قرن یازدهم این تفسیر را به زبان عربی نگاشته است. هدف او گردآوری روایات تفسیری در حد امکان بوده، ولی به نقد و بررسی آنها نپرداخته و بدون بررسی دلالتی و سندی به جمع روایات پرداخته است. در مواردی نیز از روایات نادرست استفاده کرده است.<sup>۳</sup> این تفسیر در آغاز، آیه را مطرح می‌کند. اگر روایتی در ذیل آن باشد، می‌آورد و اگر روایتی نداشته باشد، از

۱. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۲۵.

۲. همان، صص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۳. روشهای تفسیر قرآن، ص ۱۹۰؛ التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۳۲۸.

آن آیه بدون هیچ توضیح اضافی می‌گذرد. تفسیرهای روایی دیگر مانند نعمانی، فرات، قمی و عیاشی اگر همه دنبال هم چاپ شوند به اندازه نصف حجم نورالثقلین نمی‌رسند و تمام آنها به جز تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) در نورالثقلین آمده است. این نکته نشان می‌دهد که گردآورنده نورالثقلین به این کتاب‌ها بسنده نکرده، بلکه تقریباً یک دوره کامل کتاب‌های روایی موجود و در دسترس را مطالعه کرده است و هر جا روایتی با آیه تناسب داشته، استخراج کرده و ذیل آیه آورده است. بر خلاف تفسیر صافی که هم تفسیر اجتهادی است و هم روایی، این تفسیر فقط روایت است. شاید عقیده مفسر این بوده است که خود ما نباید آیات را تفسیر کنیم، بلکه باید به روایات مفسره بسنده شود.<sup>۱</sup> این تفسیر مورد توجه المیزان و تسنیم قرار گرفته است. ترتیب مباحث نورالثقلین به صورت زیر است:

روایات مربوط به جایگاه سوره در قرآن و فضیلت سوره و ثواب قرائت سوره.

روایات مربوط به شان نزول سوره (اگر شان نزولی برای کل سوره باشد).

روایات مربوط به آیات سوره به ترتیب آیات در درون سوره. اگر شان نزولی در درون هر آیه باشد، ابتدا آن را نقل می‌کند. سپس روایات تفسیری یا تطبیقی را می‌آورد.

این نظم برای کسی که بدون دقت به صفحه‌های این تفسیر می‌نگرد، قابل مشاهده نیست؛ چون هیچگونه تقسیم بندی ظاهری و تفکیک آشکار میان روایات دیده نمی‌شود. با دقت در

۱. آشنایی با تفاسیر، ص ۱۴۸.

روایات هر سوره می‌بینیم که این مقدار از نظم در تفسیر نورالثقلین موجود است و با دانستن این نظم، یافتن روایات مربوط به یک آیه در هر سوره‌ای آسان تر می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. تفسیر البرهان

سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷)، نویسنده تفسیر برهان، معاصر صاحب نورالثقلین است. تفسیر برهان مثل نورالثقلین است با این تفاوت که از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) نیز استفاده کرده است. اینکه برخی میان تفسیر برهان و نورالثقلین، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار کرده‌اند، سخن صحیحی است و هیچ کدام مکفی از دیگری نیست.<sup>۲</sup> این تفسیر، جامع بین آیات نیست و فقط آیاتی را که ذیل آنها حدیثی آمده، آورده است. احادیث این تفسیر با ضعف و ارسال سند همراه است، چنان که هنگام تعارض روایات از هرگونه ترجیح قولی خالی است.<sup>۳</sup>

این تفسیر در هر سوره از دو بخش اصلی تشکیل یافته است:

نخست، ثواب سوره و فضیلت آن را بیان می‌کند.  
در سوره‌های کوچک، متن سوره را ابتدا یک جا نقل می‌کند.  
سپس روایات مربوط به آن را یک به یک و با نظم و ترتیب

۱. نک: نورالثقلین، ج ۱، تفسیر سوره حمد، صص ۳ - ۲۵.

۲. آشنایی با تفاسیر، ص ۱۴۹.

۳. التفسیر و المفسرون، ص ۳۳۱.

آیات بیان می‌کند.<sup>۱</sup>

در سوره‌های بزرگ، متن آیات سوره نقل می‌شود. آن گاه پس از هر آیه، روایات مربوط به آن را نقل می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد نظم البرهان از نورالثقلین بیشتر است؛ چون در نورالثقلین، متن آیات سوره ذکر نمی‌شود و یافتن روایات مربوط به یک آیه به زحمت بیشتری نیاز دارد.

برای تشویق مردم به انس با سوره‌ها و توجه به آیات قرآنی در تفسیر، استفاده از روایات اهل بیت (ع) بسیار کارساز است. شایسته است در انتخاب روایات از این تفسیرها دقت شود؛ یعنی روایت‌های برگزیده متناسب با ظرفیت مخاطبان و توان تحلیلی آنها باشد و از روایات معتبر استفاده شود.

#### ۴. کنز الدقائق و بحر الغرائب

نوشته میرزا محمد مهدی از علمای قرن دوازده هجری و به زبان عربی است. ایشان با گلچین کردن روایات تفسیری مربوط به آیات از تفسیرهای «مجمع البیان»، «تفسیر قمی»، «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری» و «تفسیر عیاشی»، به کتب اربعه و منابع دیگر روایی شیعه نیز مراجعه کرده و مطالب مربوط به آیه را به بحث گذاشته است. معمولاً در ابتدای آیه و گاهی در لا به لای روایات، به بحث ادبی و لغوی نیز می‌پردازد. از این رو، با مسامحه می‌توانیم این تفسیر را جزو تفاسیر اجتهادی بدانیم. این تفسیر در آغاز هر سوره با روایات وارد شده به بیان اهمیت و فضیلت سوره می‌پردازد. دسته بندی سوره در دستور

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، سوره حمد، صص ۴۰ - ۵۲.

کار این تفسیر نیست و در درون هر آیه هم از نظم مشخصی پیروی نمی‌کند، جز اینکه هر آیه را به صورت عبارت‌های کوچکی تقسیم کرده است و پس از ذکر هر عبارت، به تفسیر ادبی آن و بیان روایات مربوط می‌پردازد. در ذیل مباحث تفسیری روایی یا ادبی نیز عنوان بندی ندارد.<sup>۱</sup> این تفسیر به دلیل جامعیت نسبی اش و گردآوری روایات از تفسیرهای مختلف روایی می‌تواند جای‌گزینی برای تفسیرهای روایی باشد تا مبلغان محترم با مطالعه آن از منابع روایی دیگر بی‌نیاز شوند.

### تفسیر قرآن به عقل

یکی از منبع‌های علم تفسیر و اصول بررسی و تحقیق برای دستیابی به معارف قرآنی، عقل برهانی است که از مغالطه وهم و تخیل محفوظ باشد. منظور از عقل برهانی همان است که با اصول و علوم متعارف خویش، اصل وجود مبدأ جهان و صفات و اسمای حسنی او را ثابت کرده است.<sup>۲</sup>

تفسیر عقلی آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سلیم، به تدبیر و تفکر در قرآن و فهم معنی آیات (بدون تحمیل و پیش فرض) و تفسیر آن بپردازد. تفسیر قرآن به وسیله دلیل عقلی جزء مباحث تفسیر اجتهادی است که یک مفسر صاحب نظر از دلایل گوناگون از جمله دلیل عقلی در تفسیر قرآن استفاده می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. نک، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، صص ۴۷ - ۶۰.

۲. تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۹.

۳. روش‌ها و گرایشهای تفسیری، ص ۱۶۴.



## اقسام عقل

تفسیر عقلی بر دو گونه است. در گونه نخست، به تفتُّن عقل از شواهد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد، به این صورت که عقل فرزانه و تیزبین، معنای آیه‌ای را از جمع بندی آیات و روایات در می‌یابد که در این تفسیر، عقل نقش «مصباح» دارد و نه بیش از آن. چنین تفسیر عقلی مجتهدانه چون به کمک منابع نقلی محقق می‌شود، جزو تفسیر به ماثور محسوب می‌گردد، نه تفسیر عقلی. در گونه دوم، به استنباط برخی مبادی تصویری و تصدیقی از منبع ذاتی عقل برهانی و علوم متعارف صورت می‌پذیرد که در این تفسیر، عقل نقش «منبع» دارد، نه صرف مصباح. بنابراین، تفسیر عقلی مخصوص به موردی است که برخی از مبادی تصدیقی و مبانی مستور و مطوی برهان مطلب به وسیله عقل استنباط گردد و آیه مورد بحث بر خصوص آن حمل شود.<sup>۱</sup>

## کارکردهای تفسیر عقلی

### نقش سلبی

گاهی ظاهر آیه‌ای بر خلاف حکم قطعی عقل است. در اینجا عقل به تنهایی \_ صرف نظر از منابع دیگر \_ معنای ظاهری آیه را نفی می‌کند. نمونه آن، آیه‌هایی است که در ظاهر، جسم بودن خدای متعال را به ذهن می‌آورد،<sup>۲</sup> چنان که علامه

۱. تسنیم، ج ۱، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۱۱.

طباطبائی در تفسیر «إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»<sup>۱</sup> «و به پروردگارش می‌نگرد» می‌نویسد:

مراد از نظر کردن به خدا، نظر حسی نیست که مربوط به چشم جسمانی مادی باشد؛ زیرا که برهانهای قطعی بر ناممکن بودن آن دلالت دارد.<sup>۲</sup>

### نقش ایجابی

گاهی ادله قطعی عقل، ظاهر آیه را تایید و تقویت می‌کند که در این صورت، دست کشیدن از ظهور آیه ناصواب است برای نمونه، آیه شریفه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ»<sup>۳</sup> «کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است»، بر این دلالت دارد که برخی افراد بر اثر تماس با آنان به جنون مبتلا می‌شوند و خدای متعال، حال رباخواران را به آنان تشبیه کرده است. برخی مفسران گفته‌اند که تشبیه یادشده در آیه از باب مماشات با عامه مردم در این عقیده است که جن در انسانهای دیوانه تصرف می‌کند و این مماشات رواست؛ چون صرف تشبیه است و حکمی بر اساس آن نفرموده است که خلاف واقع لازم آید. البته صرف نظر از ادله دیگر، عقل، تشبیه یادشده را واقعی می‌داند؛ زیرا خدا برای راهنمایی مردم بر پیامبرش وحی کرده است و نمی‌توان باور داشت که با

۱. قیامت: ۲۳.

۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۱۱۲.

۳. بقره: ۲۷۵.

مطالب نادرست و خلاف واقع در صدد چنین کاری باشد.

### نقش تبیینی و توضیحی

مهم‌ترین نقش عقل در تفسیر، تحلیل و بررسی آیه‌های قرآن با توجه به راههای فهم کلام است؛ راههایی که عاقلان برای فهم کلام از آن بهره می‌برند. در واقع عقل در اینجا نقش ابزاری دارد یا به تعبیر دیگر، متمم منابع دیگر است. این نقش عقل را می‌توان مصداق تدبیر و تفکر در قرآن دانست؛ یعنی عقل با استفاده از لغت، آیه‌ها و روایتها (قرینه‌های پیوسته و ناپیوسته کلام) به کشف مجهولات خود از آیه‌ها می‌پردازد و با کاوش و استدلال، به فهم مراد خدا از آیه دست می‌یابد. با توجه به اینکه دریافت‌های قطعی عقل چندان زیاد نیست، مهم‌ترین نقش عقل را باید تحلیل داده‌های منابع دیگر دانست.<sup>۱</sup>

### کشف استلزامات

یکی از پربارترین نقشهای ایجابی عقل، کشف استلزامات مفاد آیات است؛ چون افزون بر مفاد ظاهری آیات، استلزامات عقلی آنها نیز مقصود خدا است و می‌توان آنها را دیدگاههای قرآن تلقی کرد. برای مثال، در آیات متعددی که مانند «قُلْ يَتُوبُكُمْ مَلِكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَيَّ رَبُّكُمْ تُرْجَعُونَ»<sup>۲</sup> از توفی انسان در هنگام مرگ سخن به میان آمده، این مدلول ظاهری که دریافت تمام و کمال انسان در لحظه مرگ است، استلزاماتی به شرح زیر دارد:

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، صص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲. سجده: ۱۱.

هویت حقیقی انسان را روح تشکیل می‌دهد؛ چون جسم دریافت نمی‌شود.

هویت واقعی انسان (یعنی روح) مجرد است و احکام ماده را ندارد. از این رو، پس از متلاشی شدن جسم، روح در اختیار فرشتگان و خدا قرار می‌گیرد.

انسان، موجودی است که با مرگ نابود نمی‌شود و تداوم دارد.<sup>۱</sup>

### شرایط تفسیر عقلی

برای این که مفسر در تفسیر عقلی به تفسیر به رأی دچار نشود، به شرايطی نیاز است که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. تفسیر تمام قرآن بر اساس عقل (به معنای درک و فهم) صحیح نیست؛ زیرا قرآن آیات متشابه، فروع و احکام فقهی دارد که فهم عقل بدان‌ها راه ندارد.
۲. نباید مخالف روایات قطعی باشد.
۳. نباید مخالف آیات دیگر قرآن باشد.
۴. نباید مخالف احکام قطعی عقل و بدیهیات عقلی باشد.
۵. باید مطابق با ظاهر آیات باشد.
۶. مفسر در تفسیر عقلی نباید آیات متشابه را بدون روایات و دانش ائمه اطهار (ع) تفسیر کند.<sup>۲</sup>

### معرفی مهم‌ترین تفسیرهای عقلی

بر اساس آنچه در معنای تفسیر عقلی بیان شد که همان تعمق، تفکر، درک و فهم آیات به وسیله مبانی صحیح باشد، در

۱. همان، ص ۳۱۴.

۲. روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم، ص ۱۶۸.

میان تفسیرهای موجود، شاید کم‌تر بتوان نمونه کاملی از آن را معرفی کرد. تا کنون تفسیر المیزان، تسنیم و برخی تفسیرهای دیگر در کنار بهره‌گیری از روش قرآن به قرآن، عاقلانه به کندوکاو در مباحث تفسیری و نظریه‌های مفسران پرداخته و در خلال مباحث خود از روش عقلی بهره گرفته‌اند، ولی تفسیری که اساس کار خود را این روش قرار داده باشد، به جز تفسیر القرآن و العقل سراغ نداریم.<sup>۱</sup>

### القرآن و العقل

نگارنده این تفسیر، آقاسید نورالدین حسینی عراقی (متولد ۱۲۷۸ ه.ق و متوفای رجب ۱۳۴۱ ه.ق) است. تفسیر ایشان به روش عقلی نوشته شده که بر اساس درک، فهم، تدبر و تعمق در آیات استوار است. این کتاب - چنان که نگارنده در چند جای تفسیر خود بدان اشارت دارد - وقتی به نگارش در می‌آید که هیچ کتاب تفسیری، روایی و لغوی در دست او نبوده و تنها کتاب «معالم الاصول» را به همراه داشته است. از کتاب‌های اهل سنت نیز تنها تفسیر جلالین نزد او بوده است.

تلاش این مفسر در تفسیر قرآن دربردارنده نکات زیر بوده است:

۱. ظواهر قرآن با عقل سلیم و درک و فهم آن، مطابق است.
۲. تفسیری مخالف با روایات نکند. (اگر چه کتاب‌های روایی در دسترس او نبوده، ولی از قوانین روشن روایی آگاه بوده است).
۳. آیات دیگر را مخالف نصوص قرآنی تفسیر نکند.
۴. در تمام مباحث تفسیر متوجه این نکته بوده است که تفسیر به رأی نباشد، چنان که اگر کسی این تفسیر را ملاحظه

کند، هیچ اثری از تفسیر به رأی در آن نمی‌بیند.<sup>۱</sup>  
 ترتیب مباحث این تفسیر به شرح زیر است:  
 نخست به اختصار، مکان نزول و تعداد آیات آن را ذکر می‌کند.

در مرحله دوم، دسته‌ای از آیات سوره را نقل می‌کند. برای مثال، هشت آیه از اول سوره کهف را یک جا نقل می‌کند.<sup>۲</sup>  
 سپس به صورت مزجی، قطعه قطعه از این هشت آیه را شرح می‌دهد و از آیات دیگر و روایات و آرا و اقوال علما و مفسران استفاده نمی‌کند.

سپس دسته دیگری از آیات را نقل می‌کند تا اینکه سوره را به همین نظم به پایان می‌رساند.

تفسیر المیزان، تسنیم و نمونه نیز در موارد متعددی با ادله عقلی به اثبات یک قول تفسیر یا رد آن دست زده‌اند. با این نگاه، بسیاری از تفسیرهای کنونی در درون خود، مایه‌های تفسیر عقلی را به همراه دارند. با این بیان، قرن چهاردهم را می‌توان دوران شکوفایی تفسیر عقلی و تفسیرهای آن را تفسیرهای عقلی یا عقل‌گرا نامید.

مبلغان محترم باید توجه داشته باشند که تفسیر القرآن و العقل یک تفسیر منبری نیست و تنها برای آشنا ساختن مردم به اینکه مکتب و مذهب ما با عقل پیش می‌رود، بهتر است به معرفی این تفسیر و تفسیرهای عقلی دیگر پرداخت.

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن کریم، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲. القرآن و العقل، ج ۳، ص ۱۸۸.

## تفسیر اجتهادی

چنانکه در اجتهاد فقهی، تقلید جایز نیست، در تفسیر قرآن نیز جایز نیست مفسر از مفسر دیگر تقلید کند و باید خود به تفسیر و اجتهاد در آیات بپردازد. یک مفسر مجتهد نمی‌تواند به محض دیدن آیه ای یا یک قول روایی به تفسیر آیات بپردازد، بلکه باید شرایطی داشته و مراحل را بگذراند تا تفسیر مطلوب و مقبول به دست آورد.<sup>۱</sup>

اگر مفسر در تفسیر به همه جنبه‌های موری نیاز برای استنباط مطلب از قرآن مجید توجه داشته باشد و به بحث بپردازد، به تفسیر اجتهادی دست یافته است. مراحل لازم برای پیمودن مسیر تفسیر اجتهادی، به صورت خلاصه، بدین شرح است:

### پیش مرحله اول: سوره شناسی

شناسه سوره: مشخصات کلی آن مانند مکان نزول، زمان نزول، ترتیب نزول، شان نزول، نام‌ها، القاب سوره، تعداد آیات، فضیلت و ثواب سوره و....

#### شان نزول

کشف ساختار سوره: رسیدن به یک دسته بندی قابل دفاع از

#### سوره

موضوع یا موضوع‌های اصلی سوره

کشف غرض سوره

---

۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۱۹۸.

### پیش مرحله دوم: آیه شناسی ابتدایی

قرائت آیه: آیه چه گونه قرائت شده است و اگر بیش از یک قرائت دارد، مورد توجه مفسر باشد.

ماده و هیئت الفاظ آیه: معنی تک تک واژه‌های به کار برده شده در آیه مشخص گردد.

ترکیب نحوی جمله‌ها بیان و اگر چند گونه ترکیب می‌شود، مورد عنایت باشد.

رسیدن به ترجمه آیه در تفسیرهای غیر عربی. موضوع آیه.

ارتباط آیه با آیات پس و پیش و نبود ارتباط در درون دسته بندی‌های انجام گرفته.

پس از شناسایی کلی آیه باید به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

مرحله اول- فهم دقیق آیه

آیه از چند بخش تشکیل شده است ؟

آیا آیه در جایی دیگری هم تکرار شده است یا نه ؟

آیه منسوخ است یا ناسخ یا هیچ کدام ؟

آیه محکم است یا متشابه ؟

آیه اشاره به حکم کلی دارد یا جزئی ؟

مرحله دوم- تفسیر قرآن به قرآن

نسبت صدر و ذیل آیه چگونه است ؟

آیا آیات دیگری در این موضوع هست ؟

آیا آیه دیگری این آیه را شرح می‌دهد ؟

آیا آیه دیگری این آیه را قید می‌زند ؟



نسبت این آیه با آیات مشابه چیست ؟

مرحله سوم- تفسیر روایی

آیا روایاتی در زمینه آیه هست ؟ چه نسبتی با آیه دارند؟  
روایاتی که ذیل آیه به عنوان تفسیر وارد شده و دقت در اعتبار و  
عدم اعتبار آن.

اقوال صحابه و تابعان در این زمینه چیست؟ اعتبار آن تا چه  
حد است؟

مرحله چهارم- اقوال مفسران

چند قول در مورد آیه وجود دارد ؟

دلایل قائلین چیست ؟

آیا قرینه‌ای عقلی، نقلی و... بر نظریه مفسران هست یا نه؟  
این آیه در کدام رشته از علوم اسلامی و انسانی مورد بحث  
قرار می‌گیرد؟<sup>۱</sup>

در تفسیرهای اجتهادی و عقلی، هر کسی بر اساس گرایش،  
دیدگاه و کاوش‌های خردورزانه خود به تفسیر دست می‌زند.  
ادیبان، لغویان، بلاغیون، فقیهان، متکلمان، فلاسفه، حکما، عرفا و  
متصوفه، عالمان اخلاق، جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران، عالمان  
تجربی و دیگر دانشمندان اسلامی به فهم و تفسیر آیات  
پرداختند و تفسیرهای متفاوتی را در میدان اجتهاد و نظر سامان  
دادند. مجتهدان در تفسیر معتقد بودند که باب اجتهاد در تفسیر  
همواره گشوده است و تفسیر اجتهادی، یعنی تفسیر آیات بر  
اساس اجتهاد از کتاب و سنت و ظاهر لفظ و قراین حالیه و

۱. آشنایی با تفاسیر، صص ۳۵۱ و ۳۵۲.

مقالیه و اصول عقلیه و بدیهیه و تدبیر در آیات.<sup>۱</sup>  
تا کنون تفسیری نداریم که به خوبی و کامل به همه این جنبه‌ها پرداخته باشد، ولی برخی تفسیرها از بیشتر جنبه‌های یاد شده بحث کرده‌اند که آن‌ها را تفسیرهای جامع می‌نامند.

### معرفی مهم ترین تفسیرهای اجتهادی

#### التبیان

شیخ طوسی صاحب این تفسیر است. تفسیرهای پیش از وی موردپسند ایشان نبود. از این رو، ایشان در مقدمه تبیان چنین آورده است: «من از علمای شیعه کسی را سراغ ندارم که تفسیری نوشته باشد شامل از اول تا آخر قرآن و به تمام جوانب نظر داشته باشد. آنچه ما سراغ داریم، چند تفسیر روایی است که ذیل آیات، روایات را آورده‌اند و در آن تفسیرها، از خودشان بیانی نداشتند. در جمع روایات هم استقصا نکرده و کل روایات را جمع ننموده‌اند».<sup>۲</sup>

این تفسیر از این نظر جامع و اجتهادی است که از منابع مختلف استفاده کرده است. در هر سوره، نام سوره، مکی و مدنی بودن آن، مبحث قرائت و اختلاف قرائات، بررسی واژه‌ها، نکته‌های ادبی، صرف و نحو، استفاده از آیات دیگر و روایات و بررسی اقوال مفسران به ویژه نظر صحابه و تابعین را در تفسیر آیات می‌آورد. از آنجا که در زمان شیخ طوسی، تعارض افکار اشاعره و معتزله به اوج خود رسیده بود، این افکار را نیز مطرح

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۱۳.

۲. آشنایی با تفاسیر، ص ۱۵۶.

کرده و به اثبات عقاید امامیه پرداخته است که این کار وجهه‌ای کلامی نیز به این تفسیر بخشیده است. از آنجا که شیخ طوسی، فقیهی جامع شرایط و پیشوای امامیه در آن زمان بوده، آیات الاحکام را به خوبی بررسی کرده است.<sup>۱</sup>

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

در ابتدای هر سوره به مسایل کلی درباره سوره مانند تعداد آیات و مکی و مدنی بودن سوره و فضیلت آن و... می‌پردازد. در مرحله دوم، یک آیه و گاهی دو آیه را ذکر می‌کند. در مرحله سوم، قرائت و حجت قرائت آیه را در صورتی که بحثی درباره آن داشته باشد ذکر می‌کند، برخلاف مجمع البیان که این دو را از هم جدا کرده است.

در مرحله چهارم، معنی آیه را ذکر می‌کند و به تفسیر آیه می‌پردازد، ولی این مرحله همواره یکسان نیست و از نظم مشخصی تبعیت نمی‌کند. موارد زیر در آیات مختلف دیده می‌شود:

یک- گاهی نزول و معنی با هم می‌آید.<sup>۲</sup>

دو- گاهی معنی و لغت با هم می‌آید.<sup>۳</sup>

سه- گاهی معنی و لغت و اعراب با هم می‌آید.<sup>۴</sup>

چهار- گاهی قرائت و معنی با هم می‌آید.<sup>۵</sup>

۱. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۲۱۰.

۲. تبیان، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۹۹.

۴. همان، ص ۱۰۴.

۵. همان، ص ۱۱۲.

پنج- گاهی لغت و اعراب و نظم با هم می‌آید.<sup>۱</sup>

شش- گاهی لغت تنها می‌آید.<sup>۲</sup>

هفت- گاهی نزول تنها می‌آید.<sup>۳</sup>

بنا براین، نمی‌توان نظم مشخصی در تبیان یافت. از این رو، نگارنده در هر آیه، آنچه را یافته است، بحث می‌کند و برنامه‌ای منظم برای هر آیه ندارد. به طور کلی، عنوان‌هایی که در مجموع آیات از آن‌ها بحث قرار می‌شود، همین موارد یاد شده است.

باید گفت استفاده از این تفسیر برای مبلغان محترم بیشتر جنبه اعتمادسازی و تکیه بر منابع معتبر و شخصیت علمی شیخ طوسی دارد کسانی که تنها برای یادداشت برداری برای تبلیغ دنبال چنین تفسیری هستند، بهتر است از مجمع البیان استفاده کنند؛ چون بیشتر ویژگی‌های مثبت این تفسیر را به همراه نظم در عنوان گذاری و ترتیب مطالب با خود دارد.

### مجمع البیان

صاحب این تفسیر ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸هـ) است. طبرسی سه تفسیر دارد. ابتدا مجمع البیان را نوشت. سپس به کتاب کشف اثر زمخشری برخورد و آن را خلاصه کرد. در نهایت، تصمیم گرفت که هم مجمع را خلاصه کند و هم خلاصه کشف را در آن بیاورد که جوامع الجامع، نتیجه این تلاش

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. همان، ص ۱۱۷.

۳. همان، ص ۱۲۰.

سوم اوست.<sup>۱</sup> مجمع البیان در واقع همان تبیان شیخ طوسی است با افزوده‌های طبرسی و نظم زیبایی که صاحب مجمع البیان به آن بخشیده است. طبرسی در نگارش مجمع البیان از تبیان شیخ طوسی به عنوان منبع اصلی مطالعه استفاده کرده است و این مطلب از مقایسه دو تفسیر به خوبی روشن می‌شود.<sup>۲</sup>

تفاوت مجمع البیان با تبیان در این است که مجمع البیان در بررسی لغات و ادبیات دقت بیشتری به خرج داده و شواهد فراوانی از جمله اشعار عرب را بر آن افزوده است. نکته مهم تر آن که تفسیر هر بخش یا آیه‌ای را با ترتیب و عنوان خاص بیان کرده و مباحث لغت، شان نزول، حجت، قرائات، تفسیر و مانند آن را کاملاً از هم جدا کرده است که این ویژگی در تفسیر تبیان یافت نمی‌شود. این تفسیر نزد اهل سنت نیز از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است.<sup>۳</sup>

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:  
شناسه سوره که عبارت است از مکان نزول و شان نزول و نام‌های سوره و فضیلت و آداب سوره و دیگر مواردی که در هر سوره متناسب با آن وجود دارد.

ذکر یک آیه و گاهی دو آیه از سوره.  
فضیلت آیه اگر بحثی درباره آن باشد، مانند آیه اول سوره حمد(بسمله).<sup>۴</sup>

۱. آشنایی با تفاسیر، صص ۱۷۰ و ۱۷۱.

۲. همان.

۳. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۲۱۰.

۴. مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۱۹.

قرائت آیه اگر اختلافی در قرائت آن باشد.  
جایی که دلیل برای قرائت خاصی وجود دارد حجت ذکر  
می‌شود، مانند آیه ۷۸ سوره بقره.<sup>۱</sup>  
لغت آیه.

اعراب آیه.  
نزول آیه اگر آیه شان نزول خاصی داشته باشد، مانند آیه ۹۷  
و ۹۸ سوره بقره.<sup>۲</sup>

معنی که بخش تفسیری مجمع البیان است.  
در پایان برخی آیات (مانند آیه ۲۶۱ بقره)<sup>۳</sup> و پایان برخی  
سور (مانند پایان سوره حمد)<sup>۴</sup> به نظم آیه یا سوره هم اشاره  
می‌کند.

آشنایی با مجمع البیان به عنوان مهم ترین منبع تفسیری شیعه  
در گذشته و یکی از مهم ترین منابع در حال حاضر از اهمیت  
زیادی برخوردار است. مبلغان محترم در کلاس‌ها یا  
سخنرانی‌هایی که به آیات شریفه قرآن می‌پردازند، باید در حد  
توان به این تفسیر مراجعه کنند.

### تفسیرهای جامع دیگر

تفسیرهای دیگری نیز وجود دارند که جامع به معنای  
اجتهادی آن هستند که به ذکر نام آنها بسنده می‌کنیم:

---

۱. همان، ص ۱۸۳.

۲. همان، ص ۲۱۳.

۳. همان، ص ۴۸۲.

۴. همان، ص ۳۶.

المیزان که توضیح آن گذشت.  
تسنیم نیز توضیح داده شد.  
تفسیر بلاغی (آلاء الرحمن)  
تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل و اسرار التأویل)  
النکت والعیون (تفسیر مارودی)  
مفتاح الغیب (تفسیر کبیر فخر رازی)  
تفسیر روح الجنان و رُوح الجنان ابوالفتوح رازی  
چنانکه گذشت، تفسیرهای المیزان و تسنیم به خاطر  
جامعیتی که دارند، هم تفسیر قرآن به قرآن به شمار می‌روند و  
هم تفسیر اجتهادی.

## فصل سوم: گرایش‌های تفسیری

### گرایش ادبی

از آنجا که پرداختن به همه گرایش‌های تفسیری در این پژوهش نمی‌گنجد، تنها به گرایش‌هایی می‌پردازیم که با تبلیغ و مبلغان در ارتباط است.

مقصود از گرایش ادبی، در نظر داشتن بیشتر جنبه‌های ادبیات عرب در تفسیر قرآن است. پرداختن به صرف و نحو و حالت کلمات در افراد و ترکیب، مورد نظر این گونه از تفسیرها است یا در آنها جنبه غالب دارد.

### تفسیرهای ادبی

مهم‌ترین تفسیرهای ادبی که می‌تواند به نیازهای یک مبلغ دینی به طور کامل پاسخ دهد، عبارتند از:

#### ۱. التحصیل فی مختصر التفصیل

ابوالعباس احمد تمیمی‌اندلسی (م ۴۴۰ه.ق) از مفسران شیعه و از بزرگان علم نحو و ادبیات عرب، این تفسیر به زبان عربی نگاشته که دربردارنده همه آیات است. او در تفسیرش به نکته‌های ادبی اعم از صرف و نحو در شناخت کلمات و مباحث



کلامی و اعتقادی پرداخته است. تمیمی در تفسیر آیات به بررسی کلمات از نظر ادبی، قرائات و اعراب پرداخته و روایات معصومین (ع) و گفتار صحابه و تابعین را نیز آورده است.

ابوالعباس، مباحث کلامی و فلسفی را بررسی کرده است. او نخست کتاب تفسیری التفصیل الجامع لعلوم التنزیل را نوشت که به علت مخالفت حاکم‌اندلس، آن را از وی گرفتند. پس از آن تصمیم گرفت تفسیر دیگری فراهم آورد که آن را التحصیل فی مختصر التفصیل نامید.<sup>۱</sup>

مبلغان محترم با مراجعه به این تفسیر می‌توانند برای پرسش‌های خود درباره تجزیه و ترکیب آیات و نکته‌های ادبی واژه‌ها و ترکیبات پاسخ مناسبی بیابند.

## ۲. تفسیر جوامع الجامع

امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ه.ق) از عالمان بزرگ عالم تشیع، این تفسیر را به زبان عربی نگاشته است. طبرسی سه تفسیر دارد به نام‌های مجمع البیان، الکافی الشافی و جوامع الجامع. وی نخست تفسیر مجمع البیان را تدوین کرد که مشهورترین اثر او است، سپس تفسیر الکافی الشافی و در نهایت، تفسیر جوامع الجامع را به درخواست فرزندش با هدف پرداختن به نکته‌های ادبی لغوی و بلاغی در مجموعه ای موجز فراهم آورد.

این تفسیر دربردارنده همه آیات قرآن به شکل گزیده است که نکته‌های ادبی و واژه شناختی کلمات قرآن را به همراه

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۱۶.

نکته‌های بلاغی بیان داشته و در مواردی، مباحث کلامی را بررسی کرده است. طبرسی در آغاز هر سوره به مکی یا مدنی بودن، عدد آیات، فضیلت سوره‌ها، قرائات، لغت و تفسیر کوتاه و گزیده هر آیه می‌پردازد. در مواردی نیز به نقل اقوال اهتمام داشته و از پرداختن به توضیح آیات فقهی خودداری کرده است. هم چنین به طور مختصر، به نقل روایات از اهل بیت (ع) می‌پردازد و در مباحث کلامی، نوعی تعریض نسبت به کشف دارد. از این رو، این تفسیر یک تفسیر اجتهادی مختصر است که جنبه‌های ادبی در آن بیشتر به چشم می‌خورد. تفسیر جوامع الجامع در گذشته جزو متون درسی به شمار می‌آمد.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه این تفسیر جزو متون درسی حوزه است، همین سابقه‌آشنایی با آن عامل مهمی در برقراری ارتباط است. مبلغان محترم در مواردی که به نگاه اجمالی به تفسیر آیات و سوره‌ها در سبک سنتی آن نیاز داشته باشند، می‌توانند به این اثر مراجعه کنند.

### گرایش لغوی

اهتمام بیشتر مفسران در تفسیرهای لغوی بر شناخت و اجتهاد در لغات، ریشه، اشتقاق، شکل و تغییرات آنها است. در مباحث لغوی، یافتن معنای اصلی لغت و تطورات آن مورد نظر است، چنان که یافتن معنای لغت از سیاق کلام، از مهم ترین دریافت‌های مفسران لغوی به شمار می‌رود. از نظر آنها، قرآن به لغت مردم سخن گفته و خطاب آنها متوجه عموم بوده است، نه

۱. همان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

جمع و گروه خاصی.

توجه به کاربردهای متفاوت یک لغت در قرآن، توجه به مترادف و متضادها، غرایب و مجاز و حقیقت از جمله مباحث اجتهادی تفسیرهای لغوی است. در تفسیرهای لغوی، هم به معنای موضوع له و هم مستعمل فیه پرداخته شده است. از تفسیرهای لغوی معمولاً با نام‌های مفردات قرآن، غرایب القرآن و معانی القرآن یاد شده است.<sup>۱</sup> اکنون به شماری از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

### ۱. تفسیر جلالین

تألیف جلال الدین محلی (م ۸۶۴) و جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) از عالمان اهل سنت است. جلال الدین محلی یک قرن پیش از سیوطی می‌زیست که تفسیر سوره کهف تا پایان قرآن را فراهم آورد و سوره فاتحه را تفسیر کرد. ولی مرگ به او مهلت نداد. سپس سیوطی بخش باقی مانده را چنان که در مقدمه این تفسیر می‌نویسد،<sup>۲</sup> با همان شیوه تکمیل کرد. تلاش آنها برای تبیین لغات، موجز بودن آنها و بیان اعراب‌های ضروری است.<sup>۳</sup>

این تفسیر را چون مختصر و تک جلدی است، در سفرهای تبلیغی می‌توان با خود برد. به ویژه در مناطق سنی نشین، بیان مباحث از زبان این بزرگان، تأثیر بیشتری در مخاطبان و آگاه شدن آنها نسبت به تعصب نداشتن علمای بزرگ شیعه و سنی و

۱. همان، ص ۲۲۵.

۲. تفسیر جلالین، ص ۲.

۳. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲۹.

تشویق اهل تسنن به مطالعه آثار شیعی دارد.

## ۲. مفردات راغب اصفهانی

بهترین کتاب در زمینه بررسی معانی لغات قرآن، مفردات نوشته ابوالقاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی (م ۵۰۲) است. مفردات، نخستین کتابی است که باب اجتهاد در لغت را گشوده و نظر و استنباط را در فهم معانی لغات اعمال کرده است. این تفسیر، تمامی لغات قرآن را بررسی کرده است.<sup>۱</sup> ترتیب راغب در کتاب مفردات به صورت زیر است:

ذکر واژه مانند: ابل و اثر.

بیان ماده لغت به همراه معنای حقیقی.

اگر واژه‌ای دارای اشتقاق‌های دیگری باشد، بدون نظم خاصی ذکر می‌کند و معانی مجازی را هم می‌آورد.

بیان میزان ارتباط معانی مجازی با معانی حقیقی.

درباره هر یک از اشتقاق‌ها اگر آیه‌ای موجود باشد، می‌آورد و در برخی واژه‌ها از احادیث، اشعار و گفته‌های عرب هم استفاده می‌کند، مانند: «اثر».

در برخی موارد، ابتدا معنای لغوی واژه و سپس آیه مربوط به آن را می‌آورد، مانند: «ابل». در برخی موارد نیز ابتدا آیه مربوط به واژه و سپس معنای لغوی واژه را ذکر می‌کند، مانند: «اثر».<sup>۲</sup> راغب در مفردات بر اساس ترتیب الفبایی به ریشه اصلی

۱. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۱۲؛ زرکشی، البرهان، ص ۳۶۵.

۲. نک: راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، صص ۸ و ۹.

واژه‌های قرآنی پرداخته است.<sup>۱</sup>

هر چند مفردات به تنهایی منبع کاملی برای واژگان قرآنی نیست، ولی در تبلیغات دینی که هدف پژوهش، ارائه گزارشی از دین از طریق کتاب و سنت است، استفاده از آن کفایت می‌کند و می‌تواند مشکلات مربوط به لغت مبلغان را به خوبی برطرف کند. البته در صورت دسترسی به آثاری چون التحقيق شایسته است به آنها مراجعه شود.

### ۳. التحقيق في كلمات القرآن الكريم

سید حسن مصطفوی از علمای معاصر و صاحب تفسیر روشن، این تفسیر را نگاشته است. این تفسیر لغوی با عنایت به کتاب‌های اصلی فقه اللغة، مانند: مفردات راغب، مقایس اللغة و...، در هر واژه‌ای از واژه‌های قرآن ابتدا به نقل اقوال این چهار منبع می‌پردازد. سپس با جمع بندی اقوال به اصل لغوی درباره واژه دست می‌یابد و در نهایت، با استفاده از کاربردهای قرآنی به تطبیق معنای اصل در صیغه‌های مختلف واژه می‌پردازد. ترتیب این تفسیر همانند مفردات براساس ترتیب الفبای عربی و مراحل آن به صورت زیر است:

#### ذکر واژه

معنای واژه در کتاب‌های مشهور لغوی که این کتابها معمولاً با اختصاراتی که سلیقه شخصی نویسنده بوده، انتخاب شده است، مانند:

مقا (مقایس اللغة)، مصبا (مصباح المنیر)، لسل (لسان

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲۶.

الغرب)، صحا (الصحاح)، التهذیب

مفر (مفردات راغب)، الفروق (الفروق اللغویه) و....

در این مرحله، متناسب با هر لغتی، از میان منابع یاد شده ابتدا به مقایسه و مصباح المنیر اشاره می‌کند. سپس در بیشتر موارد از کتاب صحاح مطلب نقل می‌کند که اعتبار این سه کتاب را خود تأیید می‌کند.<sup>۱</sup> در برخی موارد نیز از منابع دیگر بهره می‌گیرد؛ یعنی در هر واژه، سه یا حداکثر چهار کتاب لغت را بررسی می‌کند.

پس از ذکر آرای لغویون با عبارت «والتحقیق ان الاصل الواحد فی هذه الماده»، نظریه‌های خود را درباره واژه یاد شده بیان می‌کند و به اصل کلی در ماده واژه دست می‌یابد.

در مرحله پایانی، پس از بیان مشتقات اصل، با استفاده از اصل به دست آمده به بیان معنای آیات مربوط به واژه می‌پردازد و به نوعی به تفسیر آنها اهتمام می‌ورزد.<sup>۲</sup>

در حال حاضر این مجموعه، کامل ترین منبع لغت تحلیلی است که مبلغ محترم با توجه به آن می‌تواند هر آنچه را درباره لغات قرآن و اشتقاق‌های آن و کاربردهای مختلف آن در قرآن است، به راحتی پیدا کند. از آنجا که در دیگر کتاب‌های لغت و تفسیرها به این شکل درباره لغات قرآن بحث نشده است، مطالعه این اثر در فهم بهتر معنای واژگان قرآنی نقش مهمی دارد.

۱. حسن مصطفوی، التحقیق، ج ۱، صص ۲ و ۳.

۲. نک: التحقیق، ج ۶، ص ۱۸۴، واژه‌های شیب و شیخ و شید.

## گرایش بلاغی و بیانی

مفسران در تفسیرهای بلاغی و بیانی، به جنبه بلاغی عبارت‌ها و کلمات قرآن اهتمام بیشتری دارند و به اجتهاد در تفسیر مرکبات قرآن با کمک علم معانی و بیان می‌پردازند. عنایت بر ادوات، حروف، ساختار و اسلوب‌های کلام، مانند کنایه‌ها، استعاره‌ها، تشبیه‌ها، تمثیل، مجاز، تقدیم و تأخیر در تفسیر اجتهادی بلاغی، فراوان به چشم می‌خورد. از نظر مفسران بلاغی، جنبه فصاحت، بلاغت و نکات بیانی از جمله برترین اعجازهای قرآن است.

آگاهی از موارد یاد شده در رساندن مفاهیم و مقاصد قرآن اهمیت دارد. فهمیدن نکته‌های بلاغی و بیانی به دانستن صرف و نحو و لغت بستگی دارد. از تفسیرهای بلاغی، گاهی به مجازات القرآن، تشبیهات القرآن و استعارات قرآن تعبیر شده است.<sup>۱</sup> اکنون به گروهی از مهم‌ترین تفسیرهای بلاغی که یا گرایش غالب آنها یا یکی از مهمترین گرایش‌های آن، بلاغی است، اشاره می‌شود:

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل

جارالله زمخشری (م ۵۳۸ ه.ق) که معتزلی مذهب بوده، این تفسیر را بر اساس همین عقیده بنیان نهاده است. کشاف، تفسیری محکم است که در کشف جمال قرآن و سر بلاغت و سحر بیان آن نظیر ندارد. نگارنده این تفسیر نیز بر لغت، اشعار عرب دارد و علوم بلاغت و بیان تسلط کامل دارد.<sup>۲</sup>

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲۱.

۲. التفسیر و المفسرون، ص ۴۸۰.

زمخشری در تفسیر خود، ذیل هرآیه به بیان نکته ادبی، لغوی و مباحث کلامی می‌پردازد. او نه تنها خود معتزلی بوده، بلکه رویکردی برای گسترش باورهای اعتزالی نیز دارد. او لغت، بلاغت و ادبیات را در خدمت تفکر اعتزالی قرار داد. به همین دلیل، بیشتر اهل سنت که رویکردی اعتزالی ندارند، از تفسیر او روی گردان هستند. با این حال، تفسیر او به دلیل برجستگی‌های بلاغتی و ادبی مورد توجه همگان است.

تفسیر او در میان شیعه نیز مورد توجه برخی دانشمندان است و نظریه‌های او به عنوان یک مفسر اعتزالی که افکارش در مواردی با شیعه هم‌ساز است، بررسی می‌شود. او از روایات و گفتار صحابه و تابعین در تفسیر خود بهره برده، ولی از پرداختن به اسرائیلیات دوری گزیده است. تفسیر زمخشری برای قرن‌ها، مرجع دیگر تفسیرها بوده است.<sup>۱</sup> یکی از دلایل بازتاب یافتن این تفسیر در میان شیعه آن است که آیات مربوط به اهل بیت (ع) را به عنوان فضایی برای آنها می‌شمارد. برای نمونه، ذیل آیه مباهله، داستان مباهله را بنا بر نقل شیعه می‌آورد و عبارت زیبایی درباره اهل بیت بیان می‌دارد که این آیه، بالاترین و بهترین فضیلت برای اهل بیت (ع) است.<sup>۲</sup>

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

نخست، در مقدمه‌ای کوتاه به مکان نزول، تعداد آیات و ترتیب نزول سوره اشاره می‌کند.  
ذکر یک آیه یا چند آیه مرتبط به هم.

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۲۲.

۲. آشنایی با تفاسیر، ص ۲۹۰.



اگر کل سوره شان نزول داشته باشد، معمولاً در ابتدا می‌آورد.<sup>۱</sup>

توضیح عبارتها و کلماتی از آیات که به نظر مفسر ابهام دارد. از این رو، همه آیات و عبارتها را شرح نمی‌دهد.

در پایان سوره، به ثواب و فضیلت سوره اشاره می‌کند.<sup>۲</sup> کشف علاوه بر این که یک تفسیر بلاغی است، به جهت جایگاهی که نویسنده آن دارد، در میان اهل تسنن نیز دارای جایگاهی رفیع است. از این رو، کسانی که در مناطق اهل سنت به تبلیغ مشغولند، شایسته است با افکار زمخشری در برخی مسایل مهم و اختلافی آشنایی داشته باشند.

## ۲. نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور

برهان الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر بقاعی معروف به «تفسیر بقاعی» (م ۸۸۵ق) که شافعی مذهب بود، را به زبان عربی نگاشته که دربردارنده همه آیات است. بقاعی به حفظ ترتیب آیات و سوره‌ها اهتمام می‌ورزید و بر همین اساس معتقد بود که در تفسیر، آگاهی از ترتیب آیات و سوره‌ها لازم است تا مفسر به معانی زنجیره وار آیات پی ببرد. او در آغاز هر سوره به تناسب نام سوره و مطالب آن، تناسب مطالب، موضوعها و نظم آن پرداخته است. او معتقد است که علم مناسبات آیات و سوره‌ها، سرّ اصلی بلاغت قرآن است و کسی می‌تواند از بلاغت قرآن آگاه شود که از مناسبات آیات و سوره‌ها آگاه گردد.

بقاعی برای شناخت مناسبات آیات، بر نکات بلاغی و نظم

۱. کشف، ج ۴، ص ۸۰۸.

۲. نک: کشف، ج ۴، ص ۶۱۴، سوره معارج.

و ترتیب آیات تاکید داشته است و اعجاز قرآن را در آشکار شدن لطایف بلاغی و نظم و ترتیب آنها می‌داند. او حتی برای حروف مقطعه و تناسب آنها به بیان معانی باطنی می‌پردازد و از روایات نیز در فهم آیات به تناسب کمک می‌گیرد، ولی از ذکر اسرائیلیات خودداری می‌کند.

وی آیات فقهی را بر اساس مذهب شافعی به اختصار بررسی کرده و مباحث کلامی را که رویکردی خلاف اعتزال دارد، نیاورده است.<sup>۱</sup>

از آنجا که یکی از مشکلات بزرگ مردم در برقراری ارتباط با قرآن، پراکنده دیدن آن و ناتوانی در برقراری ارتباط میان آیات در درون سوره‌ها و میان موضوع‌ها در کل قرآن است، مبلغان محترم باید درباره تناسب آیات و سوره‌ها و هماهنگی و پیوستگی موجود در قرآن، مطالعاتی داشته باشند. چون یکی از بهترین نوع تبلیغها، تبلیغ محض قرآنی است به این صورت که در منبر فقط سوره‌ای به صورت ساده خوانده و ترجمه می‌شود و با توضیح مختصر آیات مرتبط با هم پیش می‌روند تا سوره به پایان می‌رسد. بهترین راهکار برای ارائه بهتر این نوع سخن رانی‌ها، مراجعه به تفسیرهای تدبری است که به هماهنگی آیات و سوره‌ها پرداخته‌اند، مانند: تفسیری که ذکر شد، تفسیر المیزان که به وحدت غرض سوره‌ها و نظم آنها پرداخته است و تفسیر کاشف (بی‌آزار شیرازی - محمد باقر حجتی).

۱. روش‌های تفسیر قرآن، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

## گرایش اجتماعی

تفسیر اجتماعی ره آورد رویکرد مفسران دوران جدید است. آنها اهتمام خود را برای حل مشکلات اجتماعی در پرداختن به تفسیر آیات می‌دانند. هم چنین سبک و روش جدیدی در تفسیر آفریده‌اند و معتقدند که در سایه تحولات جدید و به وجود آمدن مشکلات اجتماعی، بهترین راه حل، مراجعه به تفسیر قرآن است. به باور اینان، آیات را نه با دیدگاه کلامی، فلسفی و ادبی، بلکه باید با نگرش اجتماعی، تحلیل، مطالعه و تفسیر کرد.

در تفسیر اجتماعی، از منظر پدیده‌ها و حوادث اجتماعی، به آیات نگریسته می‌شود و آیاتی که به مسایل اجتماعی پرداخته‌اند، تحلیل می‌شوند. آنان معتقدند هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن به بیان مسایل اجتماعی نپرداخته و مسایل مربوط به زندگی اجتماعی انسان را از منظر الهی بیان نکرده است. هم چنین هیچ کتاب آسمانی مانند قرآن، رابطه انسان‌ها را با یگدیگر در زندگی فردی و اجتماعی و رابطه انسان با خدا را تحلیل نکرده است. بیشتر تفسیرهای اجتماعی به مسایل تربیتی نیز پرداخته‌اند، هر چند برخی در تفسیرشان از گرایش دیگری بهره برده‌اند.<sup>۱</sup>

### ۱. تفسیر نمونه

این تفسیر زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی و به یاری جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم نگاشته شده است. این تفسیر برای

پاسخ‌گویی به مسایل و پرسش‌های معاصر تدوین<sup>۱</sup> و مباحث تربیتی، اخلاقی و اجتماعی در آن متناسب با ذوق و سلیقه نسل جوان و دانش‌جویان تهیه شده است.

در تفسیر هر بخش از آیات، نکته‌های عام و کلی با روش تحلیلی و اجتماعی بیان و به کمک روایات معصومین(ع) و اسباب نزول بررسی شده است. در ذیل آیات علمی-تجربی، مباحثی در تبیین آنها آمده است تا خواننده بیشتر به اهمیت کتاب آسمانی قرآن پی ببرد. تفسیر نمونه از تفسیرهای بزرگ مانند مجمع البیان و المیزان نقل قول کرده و آنها را مرجع خود قرار داده است. این تفسیر به مباحث روایی نیز پرداخته و با توجه به تناسب آیات و موضوع‌های قرآنی، به پرسش‌های موجود پاسخ داده است. این تفسیر با پرهیز از نقل اسرائیلیات به نقد آنها پرداخته است.<sup>۲</sup>

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

ابتدا کلیاتی مانند: مکان و زمان نزول، محتوای سوره و ثواب و فضیلت سوره را نقل می‌کند.  
ذکر چندین آیه هم موضوع از اول سوره.  
ترجمه آیات.

شأن نزول سوره اگر باشد.

تفسیر آیاتی که ترجمه آن آمده است.

بیان مسایل علمی و اجتماعی مرتبط با موضوع آیات، مانند اول سوره یوسف که پس از ذکر تفسیر نخستین آیات، به

۱. نک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۷۵ و ۴۷۶.

۲. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۹۸.

موضوع «نقش داستان در زندگی انسان‌ها»<sup>۱</sup> می‌پردازد. (البته این بخش - چنان که قبلاً توضیح دادیم - تفسیر نیست).  
تفسیر نمونه به دلیل بیان روان و معاصر آن همواره مورد توجه مبلغان است. البته باید دانست این تفسیر برای تبلیغ در مراکز دانشگاهی و دبیرستان‌ها بیشتر کارایی دارد، نه تبلیغ در روستاها و مساجد؛ چون جهت‌گیری آن هدایتی نیست تا مخاطب آن همگان باشند، بلکه جهت‌گیری آن، اجتماعی و هماهنگ با وضعیت جامعه معاصر است و با نیازها و پرسش‌های جوانان هم خوانی بیشتری دارد.

## ۲. تفسیر راهنما

اثر علی اکبرهاشمی رفسنجانی از علمای مجاهد و معاصر است که به کمک مرکز فرهنگ و معارف قرآن بررسی و تکمیل شده است در این تفسیر نکته‌های مربوط به هر آیه را استخراج کرده است. مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام در آن بیشتر به چشم می‌خورد، هر چند در حد توان به مباحث دیگر نیز پرداخته است.

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

بدون مقدمه وارد آیات سوره می‌شود.

یک آیه از سوره را ذکر می‌کند.

آیه را ترجمه نمی‌کند.

در مرحله دوم، به عبارت بندی آیه در عبارت‌های چند کلمه‌ای می‌پردازد.

---

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۳.

نکته‌هایی از عبارت‌ها به دست می‌آورد که در شماره‌هایی پشت سر هم می‌آید. هر چند نکته از یک عبارت به دست آید، عبارت تکرار می‌شود و نکته‌ها در شماره‌هایی جداگانه می‌آید. در شماره‌های پایانی نکته‌ها، به نکته‌هایی که از اتصال آیات قبلی و بعدی به دست می‌آید می‌آید توجه می‌شود. در پایان، فهرستی از موضوع‌های مطرح شده در آیه می‌آید.<sup>۱</sup> تفسیر راهنما بیشتر یک منبع پژوهشی برای کارهای قرآنی است تا یک منبع تبلیغی. در این تفسیر، پیام‌های مختلفی که از بخش‌های یک آیه فهمیده می‌شود، تبیین گشته و با نمایه زنی، ارتباط آیه با موضوع‌های مختلف روشن شده است. به همین دلیل، در مطالعه قرآنی برای موضوع‌های تبلیغی از آن می‌توان به عنوان منبعی برای دست یابی به آیات مرتبط با یک موضوع و نکته‌های قابل برداشت از آن استفاده کرد.

### گرایش هدایتی و تربیتی

مفسران در تفسیر تربیتی به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازند. از نگاه آنان، مهم‌ترین نکته‌های تفسیری، مطالب اخلاقی و هدایتی است. پس در یافتن نکته‌های هدایتی و اخلاقی، از روایات و تطبیق آیات استفاده می‌کنند، ولی گرایش غالب آنها، پرداختن به روایات تفسیری نیست. آنها اجتهاد و تدبر خود را نه به یافتن مسایل کلامی، فلسفی، عرفانی، فقهی و بلاغی، بلکه به تبیین نکات تربیتی و هدایتی معطوف می‌دارند. اگر هم به روایت‌ها یا مسایل کلامی، اعتقادی، تاریخی و شان

۱. نک: تفسیر راهنما، ج ۲، ص ۳۱۵، شروع سوره آل عمران.

نزول می‌پردازند، هدف و انگیزه آنها دریافتن نکته‌های هدایتی است. چهره غالب برخی تفسیرها تربیتی است و برخی هم در کنار اهتمام به نکته‌های تربیتی، جنبه‌های دیگری را در نظر داشته‌اند.<sup>۱</sup>

تفسیرهایی که در گرایش هدایی ذکر می‌شود، حالت عمومی دارد و برای بیشتر اقشار جامعه قابل استفاده است. بنا بر این، با تبلیغ در سطح عمومی مانند منبرها و هیئت‌ها تناسب بیشتری دارند و جنبه هدایت‌گری و اخلاقی در آنها بیش از دیگر تفسیرها به چشم می‌خورد.

#### ۱. تفسیر القرآن الکریم (المنار)

سید محمد رشید رضا (م ۱۳۵۴ ه.ق) که از عالمان قرن چهاردهم هجری و دارای مذهب شافعی و اشعری مرام بود، تفسیر القرآن الکریم را نگاشته که دربردارنده بخشی از آیات تا سوره یوسف است. شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ ه.ق) از بزرگان اصلاح طلب اهل سنت و رشید رضا که او نیز از عالمان بزرگ تاریخ و حدیث و از اصلاح طلبان معاصر است به همراه یکدیگر در تدوین تفسیر المنار نقش داشتند. محمد رشید رضا، شاگرد محمد عبده بود که تفسیر المنار را به املائی استاد و انشای خود فراهم آورده. رشید رضا در مقدمه المنار، خود را متأثر از افکار دو استادش؛ یعنی سید جمال الدین افغانی (اسدآبادی) و

---

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۷۱.

محمد عبده می‌داند.<sup>۱</sup>

نگارنده در تفسیر المنار (تفسیر القرآن العظیم) به شیوه تربیتی، اجتماعی، ادبی و بلاغی اهتمام ورزیده و از روایات تفسیری در حد لازم بهره برده است. عبده معتقد بود که مفسر باید به اهداف اصلی قرآن؛ یعنی پیام‌های تربیتی و اجتماعی توجه کند و پرداختن به مباحث لغوی و زبانی، به تنهایی کافی نیست. آنها به مسایل تربیتی و اخلاقی و اجتماعی در تفسیر آیات، اهتمام فراوان داشتند و مشکلات اجتماعی را از نگاه قرآن بررسی کردند. عبده به معانی درونی و باطنی قرآن پرداخته و معتقد بود که درک معانی درونی قرآن نیز مهم است، ولی رشید رضا به تفسیر باطنی، اعتقاد چندانی نداشت و روایات تفسیری را با خرد ورزی بیشتر بررسی می‌کرد.<sup>۲</sup>

## ۲. تفسیر المراغی

شیخ احمد بن مصطفی مراغی (م ۱۳۷۱ ه.ق)، این تفسیر را به زبان عربی نگاشت که شامل همه آیات قرآن است. او شافعی مذهب و اشعری مرام و از فقیهان و مفسران معاصر اهل سنت است. سبک و شیوه او پرداختن به مباحث تربیتی و هدایتی است. مراغی به شرح لغات مشکل و نقل روایات نبوی با پرهیز از اسرائیلیات و اشعار عربی پرداخته و از اصلاحات فنی و پیچیده نیز دوری گزیده است.<sup>۳</sup>

---

۱. المنار، ج ۱، ص ۱۱.

۲. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۷۲.

۳. تفسیر المراغی، ج ۱، ص ۴.



مراغی از تفسیرهای طبری، زمخشری، بیضاوی و ابن کثیر نقل کرده و ذیل آیات کلامی به اختصار به مباحث اعتقادی پرداخته است، چنان که در مباحث فقهی با تفصیل بیشتر وارد شده و فتوای‌های مذهب‌های دیگر را بیان داشته است. او معتقد بود که در تفسیر قرآن باید به جنبه‌های هدایتی پرداخت که موجب رشد ایمان اشخاص است. او در این تفسیر طبقات مفسران، تاریخ تدوین و کتابت قرآن را مطرح کرده است.<sup>۱</sup>

### ۳. فی ظلال القرآن

این اثر از آن سید قطب (م ۱۳۶۸ ه.ق)، به زبان عربی و دربردارنده همه آیات قرآن است. سید قطب از عالمان اهل سنت و اشعری مرام و صاحب آثاری مانند: *التصویر الفنی القرآن و العدالة الاجتماعية فی الاسلام* است. او دانشمندی اثر گذار در میان گروهی از اعراب بود. سید قطب به جهت تربیتی و اجتماعی در تفسیر آیات، اهتمام ویژه داشته است. او معتقد بود که خواننده قرآن نباید سرگرم لغت، قرائات، کلام و فقه شود، بلکه مهم ترین اهداف تفسیر قرآن می‌باید دریافت مسائل تربیتی و اجتماعی باشد.

سید قطب از تفسیرهای علمی و نقل اسرائیلیات پرهیز کرده و وارد مسائل اختلافی کلامی و فقهی نشده است. او چون سابقه مبارزاتی داشت، در تفسیر آیات، به تبیین دعوت الهی قرآن برای مبارزه با ستم، جهاد، انقلاب و حرکت‌های اسلامی اهتمام خاصی داشت. به همین دلیل، سبک تفسیر حرکتی را پدید آورد

۱. روش‌های تفسیر قرآن، صص ۲۷۲ و ۲۷۳.

و در آن به طور کامل به مسائل تربیتی و اجتماعی پرداخت.<sup>۱</sup>

#### ۴. پرتوی از قرآن

آیت الله سید محمود طالقانی (م ۱۳۹۹ ه.ق) از عالمان مبارز جهان تشیع، این تفسیر را به زبان فارسی نگاشت که شامل بخشی از آیات از جمله سوره حمد تا بخشی از سوره نساء و جزء آخر قرآن است. طالقانی به دقت به نکته‌های تربیتی و هدایتی در تفسیر آیات، پرداخته و کوشیده است از پرداختن به نکته‌های ادبی و کلامی پرهیز کند تا به هدف اصلی آیات؛ یعنی اصلاح جامعه و انقلابی کردن آن برسد.

طالقانی از تفسیرهای مجمع البیان، المنار و الجواهر بهره برده و مطالبی را از آنها نقل کرده است. او در این تفسیر، به روایات و مباحث فقهی و کلامی به اختصار بسنده می‌کند و حقایق و معارف قرآن را در جهت رشد و تعالی انسان می‌داند.<sup>۲</sup>

ترتیب مباحث این تفسیر به صورت زیر است:

در ابتدا، بخشی از آیات سوره را می‌آورد، آیاتی که از نظر ریز موضوع، اشتراک دارند.

سپس ترجمه آیات مربوط را ذکر می‌کند.

در مرحله سوم، به شرح لغاتی از آیات مربوط می‌پردازد که به توضیح نیاز دارند.

در مرحله چهارم، به تفسیر آیات می‌پردازد، ولی آیات را یک به یک تفسیر می‌کند. در تفسیر آیات، علاوه بر نکته‌های

۱. روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۷۴.

۲. همان، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.

تفسیری، به نکته‌های تربیتی و اخلاقی و ادبی و علمی هم توجه دارد. در پاورقی نیز به این مسایل می‌پردازد:

یک- شعر متناسب با تفسیر آیه

دو- رجوع به عهدین (تورات و انجیل)

سه- مباحث علمی متناسب با آیه و نقل مطالب از کتاب‌های

علمی

چهار- روایات<sup>۱</sup>

### ۵. تفسیر نور

این تفسیر اثر دانشمند معاصر، محسن قرائتی است. ایشان در تنظیم و تکمیل تفسیر نمونه از جمله همکاران آیت الله ناصر مکارم شیرازی بوده و با این پیشینه تفسیرنگاری، تفسیر نور را با زبان روان و رسا برای مردم نگاشته است. این تفسیر بیشتر به جنبه‌های هدایتی و تربیتی نظر دارد.

ترتیب مباحث تفسیر نور به صورت زیر است:

بیان سیمای سوره که شامل مکان نزول، اجمالی از محتوا، موضوع‌های سوره، وجه نام گذاری سوره و تعداد آیات است.

ذکر یک آیه از سوره.

ترجمه آیه.

نکته‌های آیه که بیشتر به تفسیر شباهت دارد و در آن، از آیات دیگر<sup>۲</sup> و معنای آیه<sup>۳</sup> و مباحث دیگر تفسیری هم بحث

۱. پرتوی از قرآن، قسمت اول از جلد آخر، ص ۷۵، تفسیر سوره نازعات.

۲. تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۲۵.

می‌شود. این بخش از تفسیر نور بیشتر شبیه بخش تفسیری تفسیر نمونه است.

بخش پیام‌های آیه هم شبیه تفسیر راهنما است و در هر آیه، پیام‌هایی را از کل آیه یا عبارت‌های آیه به دست می‌آورد و عبارتی را که پیام را از آن گرفته است، ذکر می‌کند.

بنابراین، تفسیر نور تفسیری است میان تفسیر نمونه و راهنما. از این رو، برای مبلغان محترم از جمله منابع خوب به شمار می‌رود. تلفیق تفسیر نور و المیزان یا کاشف(بی آزار شیرازی و حجتی) برای تبیین نظم و خطوط کلی یک سوره به همراه پیامهایی که از آیات بر می‌آید، می‌تواند منبع مناسب و کاملی برای یک منبر یا کلاس تبلیغی باشد.

### تفسیرهای چند گرایشی

شماری از تفسیرها یک گرایش دارند، مانند بیشتر تفسیرهای لغوی همچون مفردات الفاظ قرآن و شماری از آنها دو یا سه گرایش را با هم جمع کرده‌اند که معمولاً یکی از آنها اصلی است، مانند تفسیر کشاف که هم گرایش بلاغی و ادبی دارد و هم گرایش کلامی، ولی گرایش بلاغی و ادبی آن مورد توجه بیشتر است. شمار محدودی از تفسیرها هم وجود دارند که به بیش از سه گرایش توجه قرار کرده‌اند و به همه یا بیشتر گرایش‌های موجود پرداخته‌اند، مانند تفسیر المیزان، تسنیم، مجمع البیان و.... با این بیان، کسانی که درصدد یادداشت برداری برای ایام تبلیغ هستند، می‌توانند با مراجعه به حداکثر دو یا سه تفسیر مانند المیزان و مجمع البیان از مطالعه بقیه تفسیرها بی‌نیاز شوند.

## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن عربی، محی الدین، *فتوحات المکیه*، تحقیق و تقدیم: عثمان یحیی، المکتبه العربیه، قاهره، ۱۳۹۵ هـ.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، نشر ادب حوزه، قم، ۱۳۶۳.
۵. استادی، رضا، *آشنایی با تفاسیر*، نشر قدس، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۳ هـ.ق.
۶. الهی زاده، محمد حسین، *آشنایی با تدبر در سوره های قرآن کریم*، تهیه و تنظیم: علی صبوحی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران، کانون قرآن و عترت، تهران، ۱۳۸۵.
۷. ایازی، سید محمد علی، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۸. امید، حمید، *پژوهشی در تفسیر فلسفی قرآن*، انتشارات امارد، رشت، ۱۳۷۶.
۹. اوسی، علی، *روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان*، ترجمه: سید حسین میر جلیلی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۰.
۱۰. بابایی، علی اکبر و دیگران، *روش شناسی تفسیر قرآن*، زیر نظر: محمود رجبی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، ج ۱، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۴.
۱۲. خرمشاهی، بهاء الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*،

- انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. \_\_\_\_\_، *تفسیر و تفاسیر جدید*، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۴.
۱۴. حسینی بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب العلمیه، قم، چاپ دوم، بی‌تا.
۱۵. فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، تصحیح و تعلیق: حسین اعلمی، چاپ اول، قم، بی‌تا.
۱۶. \_\_\_\_\_، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۴.
۱۷. رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن الکریم (المنار)*، دار المعرفه، چاپ دوم، بیروت، بی‌تا.
۱۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالمعرفه، بیروت، بی‌تا.
۱۹. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۷ هـ ق.
۲۰. زرکشی، بدرالدین، *البرهان فی علوم القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲.
۲۲. شیرازی، محمد بن ابراهیم صدرالدین، (صدر المتألهین)، *تفسیر القرآن الکریم*، تصحیح: محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، بی‌تا.
۲۳. \_\_\_\_\_، محلی، جلال الدین، *تفسیر الجلالین*، بیروت، بی‌تا.
۲۴. صدر، سید محمد باقر، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سید جمال الدین موسوی، انتشارات تفاهم، چاپ سوم،

- تهران، ۱۳۸۱.
۲۵. صادقی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه*، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، تهران، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۶. علوی مهر، حسین، *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، انتشارات اسوه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۱.
۲۷. عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۸. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۲۹. کاشانی، ملا عبد الرزاق، *تفسیر القرآن الکریم* (منسوب به محیی الدین بن عربی)، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، تهران، بی‌تا.
۳۰. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۵.
۳۱. طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۲.
۳۲. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۶ ه.ق.
۳۳. طوسی (شیخ الطائفه)، ابی جعفر محمد بن الحسن، *تفسیر تبیان*، تحقیق و تصحیح: احمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، موسسه الوفاء، چاپ دوم، بیروت ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۵. مشهدی، میرزا محمد، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، انتشارات دارالغدیر، چاپ اول، قم، ۱۴۲۴ ه.ق.
۳۶. مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، دار احیاء التراث

العربی، بیروت، بی تا.

۳۷. مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، *علوم القرآن عند المفسرین*، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.

۳۸. مصباح یزدی، محمد تقی، *معارف قرآن*، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۷۵.

۳۹. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.

۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، با همکاری جمعی از دانشمندان، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۷۱.

۴۱. \_\_\_\_\_، ناصر، *پیام قرآن*، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، قم، ۱۳۷۷.

۴۲. معرفت، محمدهادی، *التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب*، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۸ هـ ق.

۴۳. موسوی خمینی، سید روح الله، *آداب الصلاه*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، قم.

۴۴. \_\_\_\_\_، *تفسیر سوره حمد*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ ششم، قم، ۱۳۸۱.

۴۵. مودب، سیدرضا، *روش‌های تفسیر قرآن*، قم، انتشارات اشراق دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۰.